

ستون فقرات و پانقرص سفلی

خیلی‌ها می‌پرسند مگر کار جنرال دوستم جنگ با طالبان است؟ بعد یک عالم دلیل می‌آورند که او باید در صدارت عظمی می‌ماند و جنگ با طالبان را می‌سپرد به نیروهای امنیتی کشور. اول اجازه بدهید جواب همین آدم‌ها را بدهم، بعد می‌روم خدمت آن مسایلی که معمولاً از قید قلم باقی می‌مانند. آن‌هایی که می‌گویند جنرال دوستم...



قسمت اول - صفحه ۵

سرزمین‌های در هم شکسته: جهان عرب چگونه فروپاشید؟

آن‌چه می‌خوانید گزارشی است به مراتب متفاوت از تمام گزارش‌هایی که ما تاکنون منتشر کرده‌ایم؛ گزارشی طولانی‌تر از تمام گزارش‌هایی که پیش از این در نشریه‌ی نیویورک تایمز به نشر رسیده است. در نسخه‌ی چاپی، یک شماره‌ی کامل...





Banking Awards
AZIZI BANK
WINNER
BEST SOCIAL IMPACT BANK
AFGHANISTAN
CAPITAL FINANCE INTERNATIONAL
2016

عزیزی بانک جایزه بهترین بانک تاثیر گذار اجتماعی در افغانستان (Best Social Impact Bank Award 2016) را از جانب اداره بین المللی سرمایه مالی (Capital Finance International) و جایزه بهترین بانک نحوه مدیریت و قانونمند (Best Governed Bank Award 2016) را از جانب اداره بین المللی تلاش برای پیشگام بودن (Quest on the Frontier) را در شهرهای لندن و دوی بدست آورد.



عزیزی بانک
Azizi Bank

[f](#) [in](#) [t](#) [v](#)
www.azizibank.af
1515

یادداشت روز | صفحه ۲

تطبیق موافقت‌نامه‌ی صلح با حزب اسلامی و دو مسأله اساسی

رئیس جمهور غنی هفته‌ی گذشته با صدور فرمانی، کمیسیونی را برای اجرای موافقت‌نامه‌ی صلح با حزب اسلامی حکمیتار معرفی کرده است. با این فرمان همچنین شماری از نهادهای حکومتی موظف شده‌اند تا در زمینه‌ی مصونیت رهبر و اعضای حزب اسلامی، رفع تحریم‌ها علیه حزب اسلامی، بازگشت مهاجران وابسته به این حزب و موارد دیگر مندرج در موافقت‌نامه‌ی که حدود یک ماه قبل به امضا رسیده بود، اقدام نمایند. موافقت‌نامه‌ی صلح نخست میان نمایندگان دولت افغانستان و نمایندگان حزب اسلامی به رهبری گلبدین حکمتیار حدود یک ماه قبل به امضا رسید و سپس رئیس جمهور غنی و گلبدین حکمتیار این موافقت‌نامه را امضا کردند. در آستانه‌ی امضای موافقت‌نامه‌ی صلح دولت با حزب اسلامی...

صفحه ۲



رئیس جمهور برای اجرایی شدن موافقت‌نامه‌ی صلح با حزب اسلامی فرمان صادر کرد

سیمکارت تاپ

با ارزش عالی و سهولت بیشتر



افغانی

4.90

فی دقیقه تماس به 11 کشور جهان



افغانی

1

فی دقیقه تماس به تمام شماره های افغان بیسیم
1 افغانی در هر 30 ثانیه تماس به سایر شبکه های داخلی

فیس روزانه: 1.50 افغانی

برای اشتراک شماره ذیل را دایل نمایید
***255*5*1#**

برای لغو اشتراک #255*5*2* دایل نمایید.



سرریعترین انترنت 3G



@myawcc

www.afghan-wireless.com



ارتباط دهنده افغانستان
Connecting Afghanistan

| | |
|-----------------------|--|
| اطلاعات روز | |
| | |
| شنبه | |
| ۱ عقرب | |
| ۱۳۹۵ | |
| سال پنجم | |
| شماره ۱۱۶۹ | |
| | |

یادداشت روز

تطبیق موافقت‌نامه‌ی صلح

با حزب اسلامی و دو مسأله اساسی

رییس‌جمهور غنی هفته‌ی گذشته با صدور فرمانی، کمیسیونِی را برای اجرای موافقت‌نامه‌ی صلح با حزب اسلامی حکم‌تیار معرفی کرده است. با این فرمان همچنین شماری از نهادهای حکومتی موظف شده‌اند تا در زمینه‌ی مصونیت رهبر و اعضای حزب اسلامی، رفع تحریم‌ها علیه حزب اسلامی، بازگشت مهاجران وابسته به این حزب و موارد دیگر مندرج در موافقت‌نامه‌ی که حدود یک ماه قبل به امضا رسیده بود، اقدام نمایند. موافقت‌نامه‌ی صلح نخست میان نمایندگان دولت افغانستان و نمایندگان حزب اسلامی به رهبری گلبدین حکمتیار حدود یک ماه قبل به امضا رسید و سپس رییس‌جمهور غنی و گلبدین حکمتیار این موافقت‌نامه را امضا کردند.

در آستانه‌ی امضای موافقت‌نامه‌ی صلح دولت با حزب اسلامی دو موضوع اساسی سر و صداهای زیادی را به راه انداخت. یکی از موضوعات مورد بحث، دادن مصونیت قضایی به رهبر و اعضای حزب اسلامی بود. مردم و نهادهای جامعه مدنی بدین نکته پافشاری داشتند که حزب اسلامی و به‌خصوص شخص حکمتیار، یکی از ناقضان جدی حقوق بشر می‌باشد و دست‌اش در خون صدها و بلکه هزاران شهروند کشور آغشته می‌باشد. او در خرابی افغانستان نقش برجسته‌یی دارد و دادن مصونیت قضایی به او و افرادش، نادیده گرفتن حقوق قربانیان و جنایاتی است که او در این آب و خاک انجام داده است. موضوع دوم این بود که حزب اسلامی اکنون به یک نیروی فرسوده مبدل شده و نقش چندانی در جنگ و صلح افغانستان ندارد. از نظر بسیاری‌ها، عامل اصلی جنگ در افغانستان طالبان، شبکه‌ی حقانی و داعش اند و حزب اسلامی دیگر نقش گذشته‌ی خود را از دست داده است. اگر هم مدعایی بر نقش این حزب در این زمینه وجود داشت، به نحوی بزرگ‌نمایی آن از سوی حلقات خاص هم‌سو با این جریان بود تا بتواند در روند مذاکرات امتیازات بیشتری را به‌دست آورد.

با وجود همه‌ی دغدغه‌ها و نگرانی‌های شهروندان و نهادهای جامعه مدنی، دولت موافقت‌نامه‌ی صلح با حزب اسلامی را به امضا رساند. اکنون با اجرایی شدن این موافقت‌نامه حزب اسلامی عملاً از امتیازاتی که در این موافقت‌نامه برای آن تعریف شده بهره‌مند می‌شود و در نهایت به اهدافی که شاید سال‌ها برای آن جنگیده، برسد.

در سوی دیگر، اما تحولات اخیر نشان داد که این حزب نقش مهمی دست‌کم در میدان جنگ ندارد. جنگ اصلی در افغانستان توسط طالبان انجام می‌شود و این حزب حتا در مهم‌ترین حوزه‌های نفوذ خود، دیگر میدان‌دار جنگ افغانستان نیست. در قندوز به‌عنوان زادگاه حکمتیار عملاً گروه طالبان بازیگر اصلی است و این گروه بود که توانست این ولایت را تا مرز سقوط از کنترل دولت بکشاند. در بغلان که یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های حزب اسلامی محسوب می‌شود و بخش عمده‌ی جنگ‌جویان این گروه در آن حاضر اند، این حزب نه، بلکه طالبان است که امنیت آن‌را با تهدید مواجه کرده‌اند. این رویدادها بیان‌گر این است که حزب اسلامی نمی‌تواند کمکی به روند صلح در افغانستان بکند و یا دست‌کم در حوزه‌های نفوذ خود مانع فعالیت طالبان و دیگر گروه‌های هراس‌افکن شود.

از طرف دیگر دادن مصونیت قضایی به حکمتیار و افرادش، عملاً بازماندگان قربانیان جنگ را از دادخواهی محروم کرد و دولت بدین ترتیب فراتر از صلاحیت‌های خود عمل کرده است. اصولاً دولت و هیچ مرجع دیگری نمی‌تواند حق‌العبد را بر کسی ببخشد و یا آن‌را به سود فرد و یا گروه خاصی مصادره کند. در حالی که انتظارات این بود تا دولت راه قانونی و حقوقی دادخواهی را برای قربانیان باز بگذارد، اما دولت این کار را نکرد و اکنون عملاً با نافذ بودن موافقت‌نامه‌ی صلح دولت و حزب اسلامی، امکان دادخواهی برای بازماندگان قربانیان منتفی شده است.

از همه بدتر، دولت حزبی را که دست بسیار بالا در جنگ‌ها و کشتارهای خونین در کشور داشت و می‌رفت تا به شکل طبیعی روند فرسایش خود را طی کرده و از رده خارج شود، دوباره احیا می‌کند. این در حالی است که هیچ ضمانتی وجود ندارد که در آینده این حزب باردیگر علیه امنیت کشور اقدام نکند و یکبار دیگر خون مردم بی‌گناه را به ناحق نریزد.

اطلاعات روز: رییس‌جمهور غنی برای اجرایی شدن مواد موافقت‌نامه‌ی صلح با حزب اسلامی به رهبری گلبدین حکمتیار و ایجاد کمیسیون مشترک اجرایی برای تحقق این موافقت‌نامه، فرمان بیست و چهارد ماده‌یی را صادر کرد.

آقای غنی در این فرمان از دادستانی کل خواسته است که «طرف مدت دو ماه مصونیت رهبر و اعضای حزب اسلامی را نسبت به اقدامات قبلی سیاسی و نظامی‌شان تأمین کند.»

براساس این فرمان دفتر شورای امنیت ملی افغانستان نیز مکلف شده است با در نظرداشت رعایت ماده پنجم موافقت‌نامه‌ی صلح در مورد رفع تحریم‌ها بر حزب اسلامی در همکاری با نهادهای ذیربط اقدام نماید.

در ماده پنجم این موافقت‌نامه آمده است که دولت افغانستان تضمین می‌کند که با امضای این موافقت‌نامه، از شورای امنیت سازمان ملل متحد و تمامی دولت‌ها و نهادهای ذیربط، رسماً می‌خواهد که به‌خاطر قطع دائمی جنگ و برقراری صلح و امنیت پایدار در افغانستان، «تمامی تحریم هایی را که در مورد حزب اسلامی افغانستان، رهبر و اعضای آن وضع گردیده، در اسرع وقت برداشته شوند.»

همچنان طبق این ماده دولت افغانستان مکلف است تا در این راستا با استفاده از تمامی امکانات تلاش‌های همه‌جانبه را به خراج دهد تا هر نوع تعزیرات موجود بالای رهبر و اعضای حزب اسلامی به‌زودی از میان برداشته شوند.

این فرمان به تاریخ هشتم میزان سال جاری صادر شده است.

در فرمان همچنان آمده که به‌منظور اقامت مناسب و تأمین امنیت رهبری حزب اسلامی افغانستان، اداره امور ریاست‌جمهوری مکلف است تا تدابیر لازم و همه‌جانبه را اتخاذ نماید.

در ماده‌ی پنجم آمده است که «مراجع ذیربط دولت ج.ا.افغانستان با رعایت ماده (۱۱) موافقت‌نامه مصونیت رهبر و اعضای حزب اسلامی را نسبت به اقدامات قبلی سیاسی و نظامی شان تأمین نماید.»

ادارات ذیربط دولتی مکلف شده‌اند تا با رعایت مفاد موافقت‌نامه‌ی صلح کادرهای نظامی و ملکی وابسته به حزب اسلامی را تنظیم نماید و روند ادغام مجدد

افراد مسلح این حزب را مطابق به طرزالعمل کمیسیون مشترک انجام دهند.

همچنان ادارات ذیربط موظف شده است برای بازگشت با مهاجرین حزب اسلامی و تهیه اسکان مجدد آن‌ها اقدامات عملی را روی دست گیرند.

در ماده دهم فرمان آمده است که «وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین موظف است تا در مورد بازماندگان شهدای حزب اسلامی و همچنان معلولین آن حزب، مانند سایر شهدا و معلولین کشور رسیدگی نماید.»

وظایف کمیسیون مشترک اجرایی

از سوی هم براساس این فرمان، یک کمیسیون مشترک اجرایی با عضویت شش نفر از هر دو طرف ایجاد می‌شود. از طرف دولت محمد اکرم خیلواک، فیض الله ذکی و محمدمسعود اندرابی و از طرف حزب اسلامی عبدالحکیم حکیم، محمد امین کریم و غیرت بهیر اعضای این کمیسیون مشترک اند.

همچنان به نمایندگی از شورای عالی صلح حاجی عزیزالله دین محمد، مولوی عطاءالرحمن سلیم، حبیبه سراپی، مولوی عبدالنخبیر اوچقون و فرهاد الله فرهاد، عضو تخنیکیی برای حمایت دارالانشاء تعیین شده است تا با کمیسیون مشترک همکاری کنند.

براساس این فرمان کمیسیون مشترک اجرایی موظف است مفاد این فرمان را طبق موافقت‌نامه‌ی صلح اجرا و نظارت نماید. همچنان تمام ادارات ذیربط دولتی مکلف شده است تا در تحقق فیصله‌ها و تصامیم این کمیسیون در مطابقت با قانون همکاری نمایند.

این کمیسیون وظیفه دارد تا پلان و برنامه‌ی مشخص را برای تحقق مواد موافقت‌نامه‌ی صلح به‌زودی تدوین و بعد از منظوری رییس‌جمهور در تطبیق آن اقدام نماید. همچنان این کمیسیون باید طرزالعمل جداگانه‌ی را برای چگونگی امور مربوط به تشریفات و امنیت گلبدین حکمتیار تنظیم کند.

از سوی دیگر این کمیسیون باید برای چگونگی اجرایی شدن ماده سیزدهم موافقت‌نامه‌ی صلح که طبق آن -دولت موظف است تا شرایط لازم را برای حضور و مشارکت حزب اسلامی در نهادهای دولتی در مطابقت با قانون اساسی فراهم سازد- را در طرزالعمل جداگانه تنظیم نماید.

رییس‌جمهور برای اجرایی شدن موافقت‌نامه‌ی صلح با حزب اسلامی فرمان صادر کرد

مکلفیت‌های حزب اسلامی

براساس این فرمان، حزب اسلامی مطابق به احکام قانون اساسی و سایر قوانین و مقررات نافذه کشور از تمامی حقوق مدنی و سیاسی برخوردار بوده و با رعایت قانون احزاب و سایر قوانین کشور می‌تواند به فعالیت سیاسی خود ادامه بدهد.

همچنان اعضای حزب اسلامی افغانستان می‌توانند مانند سایر شهروندان در کشور آزادانه زندگی نموده و به فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خویش بپردازند.

حزب اسلامی افغانستان مکلف شده است طبق صراحت ماده (۱۸) موافقت‌نامه‌ی صلح که در آن به انحلال تشکیلات نظامی پرداخته شده، تمامی تشکیلات و تحرکات نظامی و شبه نظامی خویش را متوقف و منحل سازد، تمامی اسیران در قید این حزب را آزاد سازد و روابط خود با دیگر گروه‌های تروریستی را قطع کند. همچنان این حزب باید با قطع دائمی جنگ، تطبیق آتش‌بس دائمی و توقف هر نوع فعالیت نظامی علیه دولت افغانستان را تأمین نماید. این حزب مکلف است تا قانون اساسی افغانستان را رعایت و تطبیق نماید.

در همین حال هیأت مذاکره‌کننده حزب اسلامی می‌گوید با صدور این فرمان تمامی مواد موافقت‌نامه‌ی صلح شکل فرامین و دستاویز تنفیذی را به خود می‌گیرد.

محمدامین کریم، رییس این هیأت روز جمعه به رسانه‌ها گفته است که «سر از امروز تمام فعالیت‌های حزب اسلامی افغانستان در چوکات قانون اساسی افغانستان اعاده می‌شود.»

آقای کریم تأکید کرده است که «سر از امروز احدی حق ندارد که اعضای حزب اسلامی را به جرم عضویت در حزب اسلامی مورد پیگرد و تعقیب قرار دهد.»

موافقت‌نامه‌ی صلح میان حکومت وحدت ملی و حزب اسلامی به رهبری گلبدین حکمتیار پس از دو سال تلاش پلاخره در هشتم ماه میزان امسال در محفل بزرگی در ارگ از سوی رییس‌جمهور امضا شد. اما پیام گلبدین حکمتیار در یک ویدیو به نمایش گذاشته شد و او موافقت‌نامه را در برابر دوربین در مکان نامعلوم امضا کرد.

«چهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم زنان–هرات» در کابل گشایش یافت

راه‌اندازی و سه دور گذشته در شهر هرات برگزار شد. این اولین جشنواره فیلم زنان در منطقه است که در سه دور گذشته توانسته میزبان حدود ۱۰۰۰ فیلم از کشورهای مختلف جهان باشد. چهارمین دور این جشنواره در کابل دایر شده است.

رویا سادات در نشست خبری گفت چالش‌های امنیتی و مشکلات موجود در سال گذشته در هرات سبب شده تا این جشنواره امسال در کابل برگزار شود.

قدم گذاشتن سینماگران روی فرش سیاه

رسم معمول این است که سینماگران در جشنواره‌ها روی فرش سرخ قدم می‌گذارند. اما در چهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم زنان-هرات، سینماگران روی فرش سیاه قدم گذاشتند.

رویا سادات در مراسم افتتاحیه این جشنواره گفت: «برای اعتراض به همه‌ی بی‌عدالتی‌ها امروز اولین بار در جهان سینماگران یا روی فرش سیاه گذاشتند.»

در این جشنواره علاوه بر تقدیر از فیلم‌ها، کارگردانان و عوامل فیلم‌هایی که از سوی هیأت داوران برگزیده می‌شوند، یک تندیس ویژه برای منتخب مردمی در زمینه فعال حقوق زنان نیز اهدا شود.

کشورهای افغانستان، هند، میانمار، ترکیه، فرانسه، مصر، ایتالیا، بریتانیا، بلژیک، ایران، روسیه، امریکا، لبنان، ویتنام، چین، بنگلادش، قزاقستان، آلمان، پرتگال و کره جنوبی به رقابت خواهند پرداخت.

گیسو جهان‌گیری، موسس بنیاد آرمان‌شهر و از رؤسای این جشنواره به اطلاعات روز گفت هدف از برگزاری این جشنواره از یک سو ایجاد فضایی در قلب آسیا برای این‌که اهل هنر و اهل فرهنگ و فیلم‌سازانی که در رابطه به سوژهٔ زنان فیلم می‌سازند گردهم بیایند، می‌باشد و از سوی دیگر تلاشی است برای ایجاد یک فضای گفت‌وگو بین اهل هنر و جلب توجه افکار عمومی به مسایل خاص زنان.

رویا سادات، از بنیان‌گذاران این جشنواره در نشست خبری گفت که این جشنواره با سال‌های قبل تفاوت‌های زیادی دارد. به گفته‌ی او امسال از لحاظ محتوا فیلم‌های خوب و با کیفیت در جشنواره حضور دارد و استقبال خوب مردم از جشنواره و فیلم‌ها و حضور فیلم‌سازان بسیار خوب که کارنامه‌های درخشان در عرصه سینما دارند، از دیگر تفاوت‌های جشنواره‌ی امسال است.

جشنواره بین‌المللی فیلم زنان-هرات در سال ۱۳۹۱

فیلم‌سازان در جشنواره بین‌المللی فیلم زنان-هرات

غنی: هر مقام دولتی که به زنان به چشم بد نگاه کند فوراً برکنار می‌شود

او گفت: «من امید و باور کامل دارم که با سهم مثبت شما زنان یک تغییر و تحول اساسی در جامعه، فرهنگ و ارتباطات ما به‌وجود خواهد آمد.»

در همین حال الزیرا سگنبایوه، رییس اداره ملل متحد برای زنان گفته است که امروز جهان به‌خاطر رهبری به راه‌های جدید نیاز دارد و زنان در رهبری متحول نقش عمده‌یی را ایفا می‌کنند.

او ابراز آرزومندی کرده که زنان از طریق برنامه «رهبری متحول برای زنان در مقام‌های بلند دولتی» بتوانند یکجا با مردها به‌خاطر رسیدن به اهداف‌شان همکاری کنند. زنان در افغانستان با مشکلات متعدد دست و پنجه نرم می‌کنند.

افزون بر انواع خشونت‌های که علیه آنان در مکان‌های مختلف روا داشته می‌شود، در ساحه کاری نیز مصونیت چندانی ندارند.

بارها گزارش‌هایی به نشر رسیده که زنان کارمند در ادارات دولتی مورد اذیت و آزار قرار می‌گیرند.

فیلم‌سازان در جشنواره بین‌المللی فیلم زنان-هرات

فیلم‌سازان در جشنواره بین‌المللی فیلم زنان-هرات

فیلم‌سازان در جشنواره بین‌المللی فیلم زنان-هرات

فیلم‌سازان در جشنواره بین‌المللی فیلم زنان-هرات

فیلم‌سازان در جشنواره بین‌المللی فیلم زنان-هرات

فیلم‌سازان در جشنواره بین‌المللی فیلم زنان-هرات

فیلم‌سازان در جشنواره بین‌المللی فیلم زنان-هرات

فیلم‌سازان در جشنواره بین‌المللی فیلم زنان-هرات

فیلم‌سازان در جشنواره بین‌المللی فیلم زنان-هرات

فیلم‌سازان در جشنواره بین‌المللی فیلم زنان-هرات

فیلم‌سازان در جشنواره بین‌المللی فیلم زنان-هرات

فیلم‌سازان در جشنواره بین‌المللی فیلم زنان-هرات

فیلم‌سازان در جشنواره بین‌المللی فیلم زنان-هرات

فیلم‌سازان در جشنواره بین‌المللی فیلم زنان-هرات

فیلم‌سازان در جشنواره بین‌المللی فیلم زنان-هرات

فیلم‌سازان در جشنواره بین‌المللی فیلم زنان-هرات

فیلم‌سازان در جشنواره بین‌المللی فیلم زنان-هرات

فیلم‌سازان در جشنواره بین‌المللی فیلم زنان-هرات

خبرنگار ناراضی

هادی دریابی

ستون فقرات
و پانقرص سفلی

خیلی‌ها می‌پرسند مگر کار جنرال دوستم جنگ با طالبان است؟ بعد یک عالم دلیل می‌آورند که او باید در صدارت عظمی می‌ماند و جنگ با طالبان را می‌سپرد به نیروهای امنیتی کشور.

اول اجازه بدهید جواب همین آدم‌ها را بدهم، بعد می‌روم خدمت آن مسابلی که معمولاً از قید قلم باقی می‌مانند. آن‌هایی که می‌گویند جنرال دوستم نباید شخصا به جنگ طالبان بروند، دو چیز را نمی‌فهمند. اول، خبر ندارند که جنرالان وزارت‌های دفاع و داخله که تعدادشان از مجموع جنرالان شاغل در ناتو هم بیشتر اند، یک کمی از جنرالان بقیه کشورها فرق دارند. اگر در کشورهای دیگر، حتا در همین کشور برادر دال‌خور پاکستان ما، یک نفر به رتبه‌ی جنرالی می‌رسد، به این معناست که سال‌ها تلاش کرده و دانش نظامی فراگرفته و در عمل ثابت کرده که شایستگی جنرال شدن را دارد، بعد جنرال شده. اما در کشور عزیز ما افغانستان که از ثبات او ثبات دو جهان؛ نفر قبلگاهش فوت کرده و هنوز نتوانسته به سه سوال نکیر و منکر پاسخ دهد، ارک ریاست جمهوری تررورق به او رتبه‌ی جنرالی را اعطا کرده. یا مثلاً یک نفر دیگر که تنها کمال او تا چهل سالگی اش سگ‌جنگی بوده، با مبلغ ناچیزی که در اختیار مقامات قرار داده، یک شبه‌شده جنرال مملکت. از طرف دیگر، همین جنرالان میراث‌خوار یا پیسه‌گکی، صلاحیتی هم ندارند. آخر جنرالی که دانشش از سرباز تازه فارغ شده از آکادمی ملی نظامی کم‌تر باشد، چگونه صاحب صلاحیت شود. دل دل آدم می‌شود بگوید که خانه همین شورای امنیت آباد که کل صلاحیت را قبضه کرده. از طرف دیگر، جنگ با طالبان شوخی نیست. برای همین است که حکومت سال سرکوب طالبان اعلام می‌کند. اما طالبان یک سال تمام حکومت را سرکوب می‌کند. با این جنرالان آگاه و خبیر در مسایل دیگر به غیر از جنگ، نمی‌توان به جنگ طالبان رفت.

دوم، دوستم بارها اعلام کرده که فاریاب ستون فقرات جنبش است. هر آدمی که سش از شانزده بالا باشد، می‌فهمد که برای دوستم جنبش مهم‌تر از معاونت ریاست جمهوری است و فاریاب ارزشمندتر از صدارت عظمی. وقتی طالبان در فاریاب از دل خوشی تانگوی ملی می‌رود، دوستم می‌لرزد. دوستم نمی‌خواهد فاریاب را ناامن ببیند. دوستم می‌فهمد که اگر جنگ را به‌دست جنرالان حکومت بسپارد، فاریاب سقوط می‌کند. چون از یک طرف این جنرالان صلاحیت سرکوب طالبان را ندارند و از طرف دیگر، از همان جنرالانی اند که یا به زور خسر و کاکا جنرال شده یا هم به‌خاطر قبلگاه مرحومش یا هم پول داده، مقام خریده. بنا خودش برای نجات فاریاب رفته که علیه طالبان بجنگد و شکر خدا شما هر روز عکس و ویدویش را در فیس‌بوک می‌بینید. حیف که انبار کلماتش خالی شده، ورنه درد دوستم و فهم او از جنگ بسیار شنیدنی‌تر می‌بود.

حالا فهمیدید چرا جنرال دوستم خود به جنگ با طالبان رفته؟ حالا این حکومت وحدت ملی یک درس دیگر هم از رفتن جنرال دوستم به جنگ با طالبان بگیرد، موثر است. معاون اول ریاست جمهوری تا حالا چندبار به فاریاب رفته تا شرف طالبان را کم کند. هر بار هم -هرچند به‌صورت موقت- پیروز شده. نمایندگان خاص چند کشور که مشترکاً برای افغانستان و پاکستان خدمت می‌کنند می‌گویند: از آن جایی که قرار نیست طالبان سرکوب شوند و هر آن احتمال می‌رود که ولایت جدید یا ولسوالی‌های جدید سقوط کند و حکومت مرکزی هم وارخطا شود، رئیس‌جمهور باید از هر ولایت یک معاون انتخاب کند. تا هر وقتی که ولایت شان در معرض سقوط قرار گرفت، آن معاون‌ها بروند و مصروف سرکوب شوند.

اما سخن گوی اتحادیه‌ی نمایندگان خاص برای افغانستان و پاکستان گفت که این پیشنهاد هنوز قطعی نیست. چرا که میزان جنرال دوستم افغانستان بسیار کم است. باید اول دیده شود که... بیخشید والله اگر این سخن نتیجه داشته باشد. یعنی بهتر آن است که از خیر این مسئله بگذریم. همین که بفهمید چرا جنرال دوستم فاریاب را به صدارت عظمی ترجیح می‌دهد کافیتست. تا که این کشور است و جنرالانش، حال و اوضاع خراب می‌بینم!

یعنی می‌خواستم بگویم که فاریاب ستون فقرات است و صدارت عظمی پانقرص سفلی! شما بودید اول ستون فقرات را نجات می‌دادید یا پانقرص سفلی را؟

ناکامی کمک‌های خارجی در افغانستان

دبیلمات / رضا فرزام و رستم علی سیرت

ترجمه: حمید مهدوی



ابتکارهای درازمدت به‌منظور تقویت اقتصاد داخلی عمدتاً از فهرست اولویت‌ها خط خورده‌اند. به این دلیل است که اقتصاد داخلی افغانستان پس از ۱۴ سال هنوز خودمتکا نیست و کشور هنوز یکی از کشورهای جهان است که به کمک‌ها بیشترین وابستگی را دارد. پس از سال ۲۰۱۴، وقتی نیروهای خارجی [از افغانستان] خارج شدند، نرخ رشد به‌طور قابل توجهی کاهش یافت. فقر از ۳۶ درصد به ۳۹ درصد جمعیت افزایش یافت.

در نتیجه، بی‌عدالتی سه گانه انجام شده است. بی‌عدالتی بی‌باعت نازاری‌های جدید اجتماعی شده است. نخست، به حاشیه راندن ساختاری مناطق امنی که در آن گروه‌های ستیزه‌جو فعال نیستند. دوم، تمایل طبیعی سازمان‌های غیردولتی به تمرکز روی مناطق جنگی. سوم، شرایط آب و هوایی نامهربان در مناطق کوهستانی مانند مناطق مرکزی هزاره جات. این شرایط سه گانه دست به دست هم داده‌اند تا بخش بزرگی از جامعه‌ی افغانستان، به‌ویژه هزاره‌ها، را به حاشیه براند.

متأسفانه، کشورهای کمک‌کننده، به‌ویژه ایالات متحده آمریکا، به پیامدهای اجتماعی سیاست‌های توزیع کمک‌های شان در افغانستان نسبتاً کم توجه کرده‌اند. نزاع بر سر خط انتقال ۵۰۰ کیلووات برق، توتاب، که توسط بانک انکشاف آسیایی حمایت می‌شود و هدف آن وصل ترکمنستان، ازبکستان و تاجیکستان، کشورهای غنی از انرژی آسیای میانه، با افغانستان و ایران است، نمونه‌ی از ساحات مسلمی است که در کشور به حاشیه رفته است. همچنین نشانه‌هایی وجود دارد که دروازه‌ی نهادهای دولتی به روی برخی از گروه‌های اجتماعی بسته است.

تظاهرات جنبش روشنی که با دخالت دو بمب‌گذار انتحاری خونین شد، نشان می‌دهد که اقدامات حکومت افغانستان دیگر از دید عموم پوشیده نمی‌ماند. هزینه‌ی حملات خونین ۲۳ جولای زندگی ۱۰۰ انسان بود. حکومت باید اوضاع را بدتر نسازد، به‌ویژه در زمانی که گروه‌های ستیزه‌جو حاکمیت و سلطه‌ی آن را هدف تخریب‌گری شان قرار داده‌اند و حمایت عمومی از آن در پایین‌ترین سطح از سال ۲۰۰۱ رسیده است.

مبارزه با فساد باید یک پیش شرط کلان برای تداوم کمک‌های خارجی باشد. توزیع برابرتر کمک‌ها باید شرط دیگر باشد. توزیع برابرتر کمک‌ها براساس عوامل قومیت و جغرافیا از کشاکش‌های بالقوه، مانند کشاکشی که هم اکنون بر سر پروژه برق جریان دارد، جلوگیری خواهد کرد.

داستان کمک خارجی برای افغانستان یک داستان غم‌انگیز است و بحث‌های متعددی مطرح شده‌اند تا توضیح بدهند که چرا این کمک‌ها نتوانست برای افغانستان یک نتیجه‌ی واقعی داشته باشد. یک بحث از این گونه بحث‌ها شکل شعاری را می‌گیرد که عمدتاً از طرف حکومت افغانستان سر داده می‌شود که پیمان کاران و پیمان کاران فرعی رابه بردن پول به خارج از کشور متهم می‌کند. این ادعاها شاید تا حدودی اعتبار داشته باشند، اما تمام داستان را روایت نمی‌کند. از نقطه نظر کشورهای کمک‌کننده، مقصر، ماهیت ناکارآمد دولت افغانستان است. حکومت این ظرفیت را نداشت تا از کمک‌ها به‌طور موثر استفاده کند. اما داستان داستان این جا ختم نمی‌شود.

جنگ‌زده‌ترین ولایات کشور اختصاص یافته است. نتیجه، فاحه بار بوده است: کمک‌های بیشتر با جنگ بیشتر همراه شده است. گواه و شاهد مهمی وجود دارد که نشان می‌دهد بخش قابل توجهی از کمک‌ها به جیب جنگ‌سالاران محلی رفته است و حتا به‌دست طالبان رسیده است. در نتیجه، ولایت‌های بسیار امنی چون بامیان و دایکندی این کمک‌ها را از دست داده‌اند. این توزیع نابرابر به این معناست که دو ولایت از امن‌ترین ولایات کشور که امن‌ترین مناطق از سال ۲۰۰۱ بدین‌سو بوده‌اند، فقیرترین و کم‌توسعه‌یافته‌ترین مناطق افغانستان نیز اند. اما این تنها کمک‌کنندگان خارجی نیستند، حکومت افغانستان نیز، به امید جلب حمایت مردم محل، بودجه بیشتری را در مناطقی که آن‌جا ستیزه‌جویان فعال هستند، اختصاص می‌دهد.

اشتباه دوم این است که بیش از ۸۰ درصد کمک‌ها در پروژه‌های کوتاه مدت به مصرف رسیده است، پروژه‌هایی که به دنبال بهبود اوضاع امنیتی اند. ظرفیت سازی و

در جریان کنفرانس بروکسل در اوایل ماه جاری، کمک‌کنندگان بین‌المللی ۱۵ میلیارد دلار دیگر را برای حمایت مالی از افغانستان تا سال ۲۰۲۰ تعهد کردند. اما این کمک بحث مهمی را در مورد نحوه مصرف این پول و پیامدهای بالقوه‌ی اجتماعی آن برانگیخته است. در سال ۲۰۱۰، وقتی خبر به رسانه‌ها درز کرد که حامد کرزی، رئیس‌جمهور آن وقت افغانستان، «کیسه‌های پول» از حکومت ایران دریافت می‌کند، یک گزارش گر نوشت، «کافی است برای نیم ساعتی در امتداد جاده‌های فرسوده و ناهموار کابل قدم بزنیم تا ببینیم که یک تعداد ساختمان‌های جدید و با شکوه در وسط کلبه‌های گلین و فرسوده اعمار شده و قد می‌کشند». فهم‌الدین استنتاج می‌کند که «این به آن معناست که افرادی وجود دارند که می‌دانند چگونه از منابع کمیابی که این کشور در اختیار دارد، پول به‌دست بیاورند. اساساً صرف دو [منبع] وجود دارد: قاچاق مواد مخدر و کمک‌های خارجی». همین گزارش گر نوشت: «به نظر می‌رسد که کرزی و قبیله‌اش کاملاً درک می‌کنند که او در این کشور جنگ‌زده یک حاکم موقت است و در نتیجه او و هم‌دستانش از هر فرصتی استفاده می‌کنند تا وقتی توسط خارجی‌ها یا خود افغان‌ها دور انداخته می‌شوند، یک زندگی راحت داشته باشند.»

داستان کمک خارجی برای افغانستان یک داستان غم‌انگیز است و بحث‌های متعددی مطرح شده‌اند تا توضیح بدهند که چرا این کمک‌ها نتوانست برای افغانستان یک نتیجه‌ی واقعی داشته باشد. یک بحث از این گونه بحث‌ها شکل شعاری را می‌گیرد که عمدتاً از طرف حکومت افغانستان سر داده می‌شود که پیمان کاران و پیمان کاران فرعی را به بردن پول به خارج از کشور متهم می‌کند. این ادعاها شاید تا حدودی اعتبار داشته باشند، اما تمام داستان را روایت نمی‌کند. از نقطه نظر کشورهای کمک‌کننده، مقصر، ماهیت ناکارآمد دولت افغانستان است. حکومت این ظرفیت را نداشت تا از کمک‌ها به‌طور موثر استفاده کند. اما داستان این جا ختم نمی‌شود.

در واقع، هم کمک‌کنندگان و هم مقام‌های افغان در استراتژی شان در زمینه‌ی توزیع کمک‌های توسعه‌ی، مشخصاً در رویکرد شان در حمایت از امنیت پایدار، به شدت به خطا رفته‌اند. کمک‌کنندگان و حکومت افغانستان یک استراتژی «خریدن جنگ»، استراتژی «جنگ بیشتر، کمک بیشتر»، را در پیش گرفته‌اند. به این دلیل است که نزدیک به ۸۰ درصد کمک‌های خارجی به پنج ولایت از

سرزمین‌های در هم شکسته:

جهان عرب چگونه فروپاشید؟



نیویورک تایمز / اسکات اندرسون

ترجمه: معصومه عرفانی

بخش اول

معرفی

آنچه می‌خوانید گزارشی است به مراتب متفاوت از تمام گزارش‌هایی که ما تاکنون منتشر کرده‌ایم؛ گزارشی طولانی‌تر از تمام گزارش‌هایی که پیش از این در نشریه‌ی نیویورک تایمز به نشر رسیده است. در نسخه‌ی چاپی، یک شماره‌ی کامل به این گزارش اختصاص داده شده است. این گزارش که محصول ۱۸ ماه رویدادنگاری است، فاجعه‌ی را روایت می‌کند که ۱۳ سال پیش با حمله‌ی ایالات متحده به عراق آغاز شد، گسست‌هایی را در جهان عرب به وجود آورد و به ظهور داعش و بحران جهانی مهاجرت انجامید. جغرافیای این فاجعه گسترده است و عوامل به وجود آورنده‌ی آن بسیارند، اما پیامدهای آن - جنگ و بی‌ثباتی در سراسر جهان - برای هیچ‌کدام از ما ناآشنا نیستند. گزارش اسکات اندرسون با استفاده از چشم‌دیدها و دیدگاه‌های ۶ شخصیت در مصر، لیبی، سوریه، عراق، و کردستان عراق، تصویر روشنی از چگونگی وقوع این فاجعه برای خواننده فراهم می‌سازد. ۱۰ مجموعه عکس از پائولو پلگرین نیز این گزارش را همراهی می‌کند. او این عکس‌ها را در طی ۱۴ سال گذشته و در سفرهای فراوانش به سراسر این منطقه ثبت کرده است. هم‌چنین، مخاطبان از طریق یک روایت تصویری متحرک می‌توانند تجربه‌ی مجازی از همراهی نیروهای عراقی در جنگ برای بازپس‌گیری فلوچه به دست بیاورند. متمرکز ساختن این میزان از انرژی و توجه بر تهیه‌ی یک گزارش مجزا، و انتظار ما از خوانندگان برای اختصاص دادن توجهی ویژه به این گزارش، برای ما بی‌سابقه بوده است. ما چنین اقدامی را تنها زمانی انجام می‌دهیم که متقاعد شده باشیم آن‌چه در ادامه می‌آید، یکی از قدرتمندترین، روشن‌ترین و انسانی‌ترین بازنمودهایی است که در شرح اشتباهات و مشکلات به وجود آمده در این منطقه در برابر مخاطبان ما قرار خواهد گرفت.

جک سیلورستین، سردبیر نشریه نیویورک تایمز

مقدمه

پیش از آغاز سفر به شمال عراق، دکتر آذر میرخان لباس‌های غربی‌اش را به لباس‌های سنتی جنگجویان پیشمرگه‌ی کرد تغییر داد: یک جاکت پشمی تنگ روی پیراهن، پتلون گشاد و یک شال کمر عریض. او تصمیم گرفت تعدادی لوازم جانبی را نیز با خود همراه ببرد. این لوازم شامل یک چاقوی جنگی که به‌خوبی در شال کمری‌اش جاسازی کرد، یک دوربین مخصوص

تک‌تیراندازها و یک سلاح نیمه‌اتوماتیک پر شده می‌شد. یک سلاح ۴م- به گونه‌ی در صندلی پشت سر قرار داده شده بود که در صورت حساس شدن شرایط دسترسی به آن آسان باشد. دکتر شانه‌اش را بالا انداخت و گفت: «منطقه‌ی بدی است».

مقصد آن روز ما در یکی از روزهای ماه می ۲۰۱۵، محل وقوع یکی از بزرگ‌ترین مصیبت‌های آذر بود که هنوز جای زخم آن بر قلب و ذهن او تازه است. سال گذشته، مردان مسلح داعش در حملاتی مرگبار و ویرانگر در شمال عراق، یک ارتش به‌مراتب بزرگ‌تر عراقی را از سر راه برداشتند، و پس از آن به سمت مناطق کردها حرکت کردند. آذر به‌شکل دقیقی تخمین زده بود که آدم‌کشان داعشی قصد حمله به کدام منطقه را دارند، و می‌دانست که ده‌ها هزار از شهروندان غیرنظامی بی‌پناه در مسیر آن‌ها قرار دارند، اما موفق نشده بود دیگران را قانع کند تا هشدارهای او را جدی بگیرند. او در اوج ناامیدی موترش را با سلاح پر کرده و با سرعت به سمت آن منطقه حرکت کرده بود، اما هنوز به مقصد نرسیده بود که دریافت دیگر خیلی دیر شده است. آذر گفت: «واضح بود. کاملاً واضح. اما هیچ‌کس نمی‌خواست توجه کند». آن روز، ما به مکانی بازمی‌گشتیم که جنگجویان افسانه‌ی کردهای شمال عراق غافلگیر شده و جنگیده بودند، جایی که دکتر آذر میرخان در پیشگیری از رخ‌دادن یک فاجعه‌ی عظیم ناکام مانده بود - جایی که برای ماه‌های زیادی پس از آن، او هم‌چنان به جنگ با داعش ادامه داد.

آذر یک پزشک متخصص اورولوژی (دستگاه ادراری) است، اما این مرد ۴۱ ساله، حتا بدون سلاح و لباس‌های رزمی نیز ظاهری شبیه به یک شکارچی دارد؛ گام‌های محتاطانه‌ی برمی‌دارد که در هنگام راه‌رفتن، کمترین صدا را ایجاد می‌کند؛ هنگام گفت‌وگو اغلب سرش را کمی پایین می‌آورد و زیرچشمی نگاه می‌کند، گویی که در حال نشانه‌گیری با یک سلاح باشد. آذر با آن بینی برجسته و موهای سیاهش، بی‌شبهات به «جانی کش» (خواننده، گیتارنواز، بازیگر و نویسنده‌ی آمریکایی) جوان نیست. جنگ‌افزارها نیز شیوه‌ی نگرش شخصی دکتر را تایید می‌کنند، همان‌گونه که در صحنه‌ی از یکی از فیلم‌های موردعلاقه‌اش، «خوب، بد، و زشت» نشان داده می‌شود: ایلائی والاک ناگهان توسط مردی که اسلحه‌ی را به سمت او نشانه گرفته و قصد کشتن او را دارد غافلگیر می‌شود. مرد به جای این‌که فوراً به والاک شلیک کند، گفت‌وگویی پیروزمندانه را آغاز می‌کند و در نتیجه به والاک فرصت می‌دهد تا او را بکشد.

آذر یکی از عبارت‌های فیلم را نقل‌قول کرد: «وقتی ناچار هستی به شلیک کردن، شلیک کن، حرف نزن.» و ادامه داد: «این همان وضعیتی است که ما کردها در آن قرار داریم. اکنون زمان گفت‌وگو نیست، زمان شلیک کردن است.» آذر یکی از شش نفری است که سرگذشت آن‌ها در این گزارش شرح داده شده است. این شش نفر، از

مناطق متفاوت، شهرهای متفاوت، قبیله‌های متفاوت و خانواده‌های متفاوت هستند. اما آن‌ها، و میلیون‌ها نفر دیگر در خاورمیانه، در تجربه‌ی شرایطی به‌شدت ویران‌کننده، مشترک هستند. زندگی‌های آن‌ها برای همیشه در نتیجه‌ی تحولاتی تغییر کرد که با حمله‌ی آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ آغاز شد و سپس با یک رشته انقلاب‌ها و شورش‌ها که به‌صورت کل در غرب به‌عنوان بهار عربی شناخته می‌شوند تسریع یافت. این تحولات، در حال حاضر با غارتگری‌های داعش، حملات تروریستی، و دولت‌های ناکام ادامه یافته است.

برای هرکدام از این شش نفر، این تحولات با یک حادثه‌ی مجزا و مشخص در ذهن‌شان جا افتاده است. برای آذر میرخان، این حادثه در مسیر منتهی به سنجار رقم خورد، جایی که او شاهد به حقیقت پیوستن بزرگ‌ترین نگرانی‌اش بود. برای لیلای سوئیف در مصر، این تجربه زمانی بود که مردی جوان از میان توده‌ی معترضان جدا شده و او را در آغوش می‌گشود، و او به این باور می‌رسد که انقلاب پیروز خواهد شد. مجدی المنغوش در لیبی، این لحظه را زمانی تجربه کرد که در حال قدم‌زدن در کنار زمین‌هایی بدون صاحب و غیرمسکونی بود و با یک حس ناگهانی و فوق‌العاده از شادی، برای نخستین‌بار در زندگی‌اش احساس آزادی کرد. تجربه‌ی خلود الزیدی در عراق، تنها چند کلمه‌ی تهدیدآمیز از یک دوست سابق بود، و او یک‌باره متوجه شد تمام آن‌چه سال‌ها برایش زحمت کشید، از بین رفته است. برای مجد ابراهیم در سوریه، این حادثه زمانی رخ داد که یک بازجو تلفن همراهش را برای یافتن هویت «رییس» او جست‌وجو می‌کرد، و او می‌دانست که با پایان زندگی‌اش تنها چند لحظه‌ی فاصله دارد. وقاص حسن در عراق، مرد جوانی که ظاهراً هیچ علاقه‌ی به سیاست یا مذهب ندارد، این حادثه‌ی متحول‌کننده همان لحظه‌ی بود که مردان مسلح داعش به روستای او آمدند و به او پیشنهادی کردند.

اگرچه این رویدادها کاملاً متفاوت هستند، اما برای هرکدام از این شش نفر به‌معنای عبور از گذرگاهی بودند که گذر از آن به‌معنای قدم‌گذاشتن در مسیری بود که بازگشتی از آن وجود نخواهد داشت. البته که چنین تحولاتی - که میلیون‌ها نفر دیگر نیز آن‌ها را تجربه کرده‌اند - سرزمین‌های مادری آن‌ها، منطقه‌ی بزرگ‌تر خاورمیانه، و در وسعتی اجتناب‌ناپذیر، تمام جهان را درگرو ساختند. تاریخ هرگز در مسیری پیش‌بینی‌پذیر حرکت نمی‌کند، بلکه همواره نتیجه‌ی جریانات و رویدادهایی به‌ظاهر تصادفی است که اهمیت آن‌ها را تنها زمانی می‌توان تعیین کرد، یا اغلب اوقات، تنها مورد مناقشه قرار داد، که از لحاظ زمانی از آن حوادث عبور نموده و آن‌ها را مورد بازنگری قرار می‌دهیم. اما حتا با درنظرگرفتن طبیعت پیش‌بینی‌ناپذیر تاریخ، حتا ذره‌ی احتمال نمی‌رفت حادثه‌ی که گفته می‌شود نقطه‌ی آغاز بهار عربی بوده است، چنین پیامدی داشته باشد: خودسوزی یک میوه‌فروش تونسی

در اعتراض به اذیت‌وآزارهای دولت. زمانی که محمد بوعزیزی به‌علت جراحت‌هایش در تاریخ ۴ جنوری ۲۰۱۱ جانش را از دست داد، معترضان که در ابتدا برای اصلاحات اقتصادی به خیابان‌های تونس آمده بودند، خواستار کناره‌گیری زین‌العابدین بن علی رییس‌جمهور قدرتمند این کشور شدند که ۲۳ سال حکومت را در دست داشت. در روزهای بعد، اعتراضات گسترده‌تر و شدیدتر شد؛ سپس از مرزهای تونس فراتر رفت و به دیگر کشورهای جهان عرب گسترش یافت. در پایان ماه جنوری آتش اعتراضات ضدحکومتی در کشورهای الجزیره، مصر، عمان، و اردن شعله‌ور شد. اما این تنها یک سرآغاز بود. در ماه نوامبر، تنها ۱۰ ماه پس از مرگ بوعزیزی، چهار دیکتاتوری دیرینه در خاورمیانه سقوط کردند، شش دولت دیگر ناچار به تغییرات اساسی سازمانی شدند یا وعده‌ی اصلاحات دادند، و اعتراضات ضدحکومتی، که تعدادی از آن‌ها صلح‌آمیز بودند و تعدادی خشونت‌آمیز، در سراسر جهان عرب، از موریتانی تا بحرین، گسترش یافت.

به‌عنوان نویسنده‌ی بی‌تجربه‌ی طولانی در خاورمیانه، در ابتدا از ناآرامی‌های بهار عربی استقبال کردم. در حقیقت، من باور داشتم که این اعتراضات باید مدت‌ها قبل اتفاق می‌افتاد. در اوایل دهه‌ی ۱۹۷۰، زمانی که من هنوز پسری نوجوان بودم، همراه با پدرم به سراسر این منطقه سفر کردم. تجربه‌ی من در این سفر، کنجکاو و علاقه‌ی نسبت به اسلام در من برانگیخت، و از سوی دیگر، من شیفته‌ی کویر شده بودم. به‌علاوه، من نخستین کارم در عرصه‌ی ژورنالیسم را از خاورمیانه آغاز کردم. در تابستان سال ۱۹۸۳، به امید یافتن کاری به‌عنوان خبرنگار نیمه‌وقت، به بیروت رفتم، شهری در گیرودار جنگ. در طی سال‌های بعد، با گروهی از کماندوهای اسرائیلی همراه شدم که حملاتی را در کرانه‌ی باختری راه‌اندازی می‌کردند، با مهاجمان جنجود (گروهی شبه‌نظامی در دارفور، منطقه‌ی غرب سودان) در دارفور شام خوردم، و با خانواده‌های بمب‌گذاران انتحاری مصاحبه کردم. سرانجام، برای مدت پنج سال از کار خبرنگاری فاصله گرفتم تا کتابی در رابطه با ریشه‌های تاریخی خاورمیانه‌ی مدرن بنویسم.

در جریان چند دهه سفرهای کاری، هیچ منطقه‌ی را نیافتم که بتواند در ایستایی و بی‌تحركی با جهان عرب رقابت کند. اگرچه معمر القذافی با دیکتاتوری ۴۲ساله‌اش رکوردی را در خاورمیانه ثبت کرده بود، اما کشورهای دیگر نیز وضعیت متفاوتی نداشتند. تا سال ۲۰۱۱، مصری‌های جوان‌تر از ۴۱ سال، که حدود ۷۵ درصد جمعیت این کشور را تشکیل می‌دادند، تنها دو رییس دولت را می‌شناختند، در حالی که در سوریه، شهروندانی در همین سن، تمام زندگی خود را تحت حکومت پدر و پسری از خاندان اسد سپری کرده بودند. علاوه بر ایستایی سیاسی، مساله‌ی برجسته‌ی دیگر در بسیاری از کشورهای جهان عرب این بود که اکثر اهرم‌های قدرت سیاسی تنها در دستان الیگارشی‌های کوچک یا خانواده‌های اشرافی قرار گرفته بود. برای دیگران، می‌توان گفت تنها راه رسیدن به امنیت مالی این بود که با تقلا و تلاش بسیار بتوانند شغلی را درون بروکراسی به‌شدت متورم بخش عمومی و نهادهای دولتی به‌دست بیاورند که خود آن‌ها اغلب نمادی از خویشاوندسالاری و فساد بودند. اگرچه پول‌های هنگفتی که به کشورهای نفت‌خیز و کم‌جمعیتی مانند لیبی یا کویت سرازیر می‌شود، این امکان را فراهم می‌سازد که بخش بی‌بضاعت جامعه نیز اندک بهره‌ی از رفاه مالی به‌دست آورند، اما در کشورهای پرجمعیت‌تر با منابع کمتر، مانند مصر و سوریه، شرایط متفاوت است. در این کشورها، فقر و بیکاری در میزان بالایی وجود دارد و انفجار جمعیتی در این منطقه، مشکلات آن‌ها را تشدید می‌کند.

در نخستین روزهای بهار عربی، تماشای خشم مردم برای من دلگرم‌کننده بود. یکی از برجسته‌ترین و ناتوان‌کننده‌ترین ویژگی‌های جهان عرب که من مدت‌ها پیش دریافته بودم، وجود فرهنگ شکایت و نارضایتی بود که الهام‌بخش آن بیش از آن‌که نیازها و خواسته‌های مردم باشد، مسایلی بود که با آن مخالفت داشتند. آن‌ها ضدصهیونیست، ضدغرب، و ضدامپریالیست بودند. دیکتاتورهای منطقه برای چندین نسل، سرخوردگی‌های عمومی را ماهرانه به سوی این «دشمنان» خارجی سوق می‌دادند و از مساله‌ی سوءمدیریت خود دور نگه می‌داشتند. اما این بازی قدیمی، با آغاز بهار عربی دیگر راه‌گشا نبود. بلکه مردم خاورمیانه، برای نخستین‌بار در چنین مقیاسی، خشم خود را مستقیماً به سوی خود دولت‌ها نشان گرفتند.

پس از آن، همه‌چیز به‌شکل وحشتناکی در مسیر اشتباهی پیش رفت. در تابستان سال ۲۰۱۲، دو ملت «آزاد» لیبی و یمن، گرفتار هرج‌ومرج‌ها و درگیری‌های جناحی شدند، در حالی که مبارزه علیه حکومت بشار اسد در سوریه، تبدیل به جنگ داخلی ویران‌کننده‌ی شده بود. در مصر، نخستین حکومت دموکراتیک منتخب، در تابستان سال بعد توسط ارتش سرنگون شد. بسیاری از همان فعالان جوانی که دو سال پیش از آن برای مطالبه‌ی دموکراسی به خیابان‌ها آمده بودند، از این کودتای ارتش حمایت کردند. در میان کشورهایی که بهار عربی در آن‌جا انقلاب‌هایی را برانگیخته



بود، تنها یک نقطه‌ی واقعا روشن وجود دارد، همان جایی که بهار عربی از آن آغاز شد: تونس. اما حتا در این کشور نیز حملات تروریستی و سیاست‌مدارانی با دشمنی‌های ریشه‌دار، تهدید دایمی برای یک حکومت شکننده به‌شمار می‌آمدند. در میان این آشوب، بقایای شبکه‌ی قدیمی اسامه بن‌لادن، القاعده جان تازه‌ی گرفت، بار دیگر جنگ را در عراق گسترش داد، و سپس شاخه‌ی به‌مراتب افراطی‌تر و مرگ‌بارتر به وجود آورد: دولت اسلامی، یا داعش.

چرا وضعیت به این سمت پیش رفت؟ چرا حرکتی که با آن سطح بالا از امیدواری آغاز شد، این‌گونه به انحراف کشیده شد؟

ماهیت سازمان‌نیافته و فراگیر بهار عربی، یافتن پاسخی برای این سوال را دشوار کرده است. در تعدادی از کشورهای تحولاتی بنیادین رخ داد، اگرچه کشورهای دیگری که درست در همسایگی آن‌ها قرار داشتند، به‌ندرت دچار تغییر شدند. شماری از کشورهای بحران‌زده نسبتا سرمایه‌دار بودند (لیبی)، دیگران به‌شدت فقیر (يمن). تعدادی از کشورها با دیکتاتوری‌های نسبتا ملایم (تونس)، همراه با تعدادی از بی‌رحم‌ترین حکومت‌ها در منطقه (سوریه) از هم فرو پاشیدند. همین میزان از اختلافات و نارضایتی‌های سیاسی و اقتصادی در کشورهایی که ثبات خود را حفظ کردند نیز مشاهده می‌شود.

باین‌حال، می‌توان گفت الگوی قابل‌توجهی در این میان ظهور کرده است. اگرچه در اکثر ۲۲ کشوری که جهان عرب را تشکیل می‌دهند در نتیجه‌ی بهار عربی تغییراتی پدید آمد، اما سیستم حکومتی شش کشوری که بیش از دیگران از این جریان متأثر شدند - مصر، عراق، لیبی، سوریه، تونس، و یمن -، نه پادشاهی بلکه جمهوری بود. در سه مورد از این کشورها - عراق، سوریه، و لیبی - دولت کاملا فرو پاشیده است، به‌حدی که تردید وجود دارد که هیچ‌کدام بتوانند بار دیگر به‌عنوان دولتی عملا فعال ظاهر شوند. هر سه کشور اعضای فهرست کوچکی از کشورهای عربی هستند که در اوایل قرن بیستم، توسط قدرت‌های امپریالیست غربی و با کمترین توجه به انسجام ملی، و یا حتا اختلافات قبایلی و فرقه‌یی در آن سرزمین‌ها، ایجاد شدند. بدون‌شک، تقسیم‌بندی‌ها و اختلافات داخلی مشابهی در بسیاری از جمهوری‌های دیگر و پادشاهی‌ها در این منطقه وجود دارد، اما به‌نظر می‌رسد که دو عامل وابسته و عمده‌ی تأثیرگذار، کشورهای عراق، سوریه، و لیبی را به‌شکل خاصی در برابر طوفان‌های تحولات پیش‌آمده آسیب‌پذیر کرده بود: فقدان حس درونی هویت ملی، همراه با فقدان نوعی از سیستم حکومتی که بتواند جایگزین اصول سنتی سازمان‌دهی جامعه شود.

در حقیقت، به‌جز یک نفر، پنج نفر دیگری که روایت‌های‌شان

را در این گزارش خواهید خواند، شهروندان همین «دولت‌های ساختگی» هستند و داستان‌های شخصی آن‌ها ریشه در داستان بزرگ‌تری از چگونگی به‌وجود آمدن این کشورها دارد. این روند در پایان جنگ جهانی اول آغاز شد؛ زمانی که دو متحد پیروز در جنگ، بریتانیا و فرانسه، سرزمین‌های امپراتوری عثمانی شکست‌خورده را به‌عنوان غنایم جنگی میان خود تقسیم کردند. بریتانیا در منطقه‌ی بین‌النهرین سه ایالت بزرگ و خودمختار عثمانی را یک‌جا کرده و آن محدوده عراق نام‌گذاری شد. جنوبی‌ترین بخش این ایالت‌ها تحت سلطه‌ی عرب‌های شیعه قرار داشت، اکثریت مناطق مرکزی را عرب‌های سنی تشکیل می‌دادند، و سرزمین‌های شمالی را کردهای غیرعرب کنترل می‌کردند. در غرب عراق، قدرت‌های اروپایی رویکرد معکوسی را در پیش گرفته بودند و سرزمین‌های وسیع «سوریه‌ی بزرگ (بلاد شام)» را به بخش‌های کوچک‌تری که مدیریت آن‌ها آسان‌تر بود تقسیم کردند. بخش کوچکی از این سرزمین - سوریه‌ی امروزی - و سرزمین ساحلی لبنان به دولت فرانسه تعلق گرفت، و بریتانیا فلسطین و اردن سابق، مناطق جنوبی سوریه که در نهایت تبدیل به کشورهای اسرائیل و اردن شدند را تحت حاکمیت خود درآورد. در سال ۱۹۳۴، ایتالیا که اندکی دیرتر وارد بازی شده بود، سه منطقه در آفریقای شمالی را که در سال ۱۹۱۲ از تصرف عثمانی‌ها خارج کرده بود با هم یک‌جا ساخته و مستعمره‌ی لیبی را تشکیل داد.

قدرت‌های اروپایی برای حفظ سلطه‌ی خود بر این سرزمین‌های مه‌آلود، از همان رویکرد «تفرقه بینداز و حکومت کن» که در مستعمره‌سازی صحرای جنوب آفریقا برای آن‌ها به‌خوبی ثمربخش بود استفاده کردند. بخشی از این برنامه شامل توانمندساختن یک اقلیت قومی و مذهبی به‌منظور استفاده از آن‌ها به‌عنوان مدیران حکومت محلی بود. آن‌ها اطمینان داشتند این اقلیت‌ها از ترس آن‌که مبادا مغلوب اکثریت محروم تحت سلطه‌ی خود شوند، هرگز در مقابل ناظران خارجی خود شورش نخواهند کرد.

اگرچه این کار تنها آشکارترین سطح استفاده‌ی اروپایی‌ها از استراتژی «تفرقه بینداز و حکومت کن» بود، باین‌وجود، درست در لایه‌های زیرین اختلافات فرقه‌یی و منطقه‌یی در این «ملت‌ها»، بافت‌های پیچیده‌یی از نظم اجتماعی قبایلی و خاندانی سنتی قرار داشت که هم‌چنان منبع اصلی هویت و وفاداری مردم این سرزمین‌ها به‌شمار می‌رفت. بریتانیا، فرانسه و ایتالیا، زیرکانه همان شیوه‌ی را به کار بردند که ارتش ایالات متحده و مهاجران سفیدپوست پس از تصرف غرب آمریکا برای قبایل هندی استفاده کرده بودند، و گروه‌های مختلف را در مقابل هم قرار دادند. آن‌ها با فراهم‌ساختن سلاح، غذا یا شغل‌های پردرآمد برای

یک گروه، از آن‌ها انتظار داشتند با جنگیدن علیه گروه‌های دیگر این لطف را جبران کنند. البته تفاوتی اساسی در این‌جا وجود دارد: تازه‌واردان در غرب آمریکا ساکن شدند و نظام قبایلی را از اساس نابود کردند. اروپایی‌ها در نهایت جهان عرب را ترک کردند، اما آتش اختلافات فرقه‌یی و قبیله‌یی که در آن منطقه برافروخته بودند باقی ماند.

اگر بخواهیم از این بُعد به مسأله نگاه کنیم، خودکشی محمد بوغزیزی در سال ۲۰۰۱، نسبت به اوج گرفتن تنش‌ها و تضادهایی که برای مدت زمانی طولانی در زیر پوست جامعه‌ی عرب در شرف غلیان بود، تأثیرگذاری کمتری به‌عنوان کاتالیزوری برای بهار عربی داشته است. در حقیقت، ساکنان سراسر جهان عرب به احتمال بسیار زیاد رویداد دیگری را که هشت سال پیش از مرگ بوغزیزی رخ داده بود به‌عنوان نقطه‌ی آغاز روند فروپاشی می‌دانند: حمله‌ی آمریکا به عراق. تعداد زیادی از آن‌ها به یک رویداد مشخص‌تر که تجسمی از تحولات آن زمان است اشاره می‌کنند: زمانی که در بعدازظهر روز ۹ اپریل ۲۰۰۳، مجسمه‌ی گول‌پیکر دیکتاتور عراقی، صدام حسین، به کمک یک جرثقیل و خودرو زرهی آمریکایی ام‌۸۸- به زیر کشیده شد.

نمادپردازی در رابطه با تازه‌ترین تهاجم غربی‌ها به این منطقه، برای ساکنان آن اجتناب‌ناپذیر بود. اکنون اگرچه جهان عرب این تصویر را با خشم به خاطر می‌آورد، در آن زمان اما نکته‌یی به‌مراتب ظریف‌تر و روشن‌تری را می‌رساند. آن‌چه مردم سوریه، لیبی، و دیگر کشورهای جهان عرب نیز مانند عراقی‌ها برای نخستین بار شاهدش بودند این بود که چهره‌یی به‌ظاهر تسلیم‌ناپذیر مانند صدام حسین نیز ممکن است کنار زده شود و در نتیجه ممکن است آن فلج و ازکارافتادگی سیاسی و اجتماعی که مدت‌های طولانی بر سراسر سرزمین‌های آن‌ها سایه افکنده بود نیز از بین برود. آن‌چه هنوز به‌روشنی خود را نشان نمی‌داد این بود که این چهره‌های قدرتمند انرژی قابل‌ملاحظه‌یی را برای در قیدوبند نگاه‌داشتن ملت‌های خود به‌خرج داده بودند و در نبود آن‌ها نیروهای سنتی قبیله‌گرای و فرقه‌گرایی جامعه را به چند جهت خواهند کشید. آن‌چه حتا بیشتر از دید پنهان ماند این بود که چگونه این نیروها هم‌زمان می‌توانند ایالات متحده را جذب و دفع کرده و به قدرت و اعتبار آن در منطقه، صدمات جبران‌ناپذیری وارد کنند.

دست‌کم یک نفر به روشنی متوجه این شرایط شده بود. در بخش زیادی از سال ۲۰۰۲، دولت بوش تلاش داشت تا با متهم‌ساختن صدام حسین به دنبال‌کردن برنامه‌ی سلاح‌های کشتار جمعی و ارتباط غیرمستقیم او با حملات ۱۱ سپتامبر، زمینه‌ی حمله به عراق را فراهم

کند. در ماه اکتبر ۲۰۰۲، شش ماه پیش از رویداد میدان فردوس، مصاحبه‌یی طولانی با معمر القذافی داشتیم و از او پرسیدیم اگر حمله به عراق در حقیقت رخ بدهد، به نفع چه کسی خواهد بود. این دیکتاتور لیبیایی عادت داشت پیش از پاسخ‌دادن به هرکدام از سوالات من تظاهر کند که در حال فکر کردن است، اما به این سوال من فوراً پاسخ داد: «بن‌لادن». او گفت: «هیچ تردیدی در این رابطه وجود ندارد. عراق تبدیل به جولانگاهی برای القاعده خواهد شد. چراکه اگر حکومت صدام حسین سقوط کند، عراق گرفتار آشوب‌زدگی و هرج‌ومرج خواهد شد. و اگر چنین اتفاقی رخ بدهد، هر اقدامی علیه آمریکایی‌ها به‌معنای جهاد تلقی می‌شود».

از ماه اپریل ۲۰۱۵، من و پائولو پلگرین عکاس یک رشته سفرهای گسترده‌یی را به خاورمیانه آغاز کردیم. ما به‌طور جداگانه و به‌عنوان یک گروه نویسنده-عکاس، مجموعه‌یی از درگیری‌های این منطقه در طی ۲۰ سال گذشته را پوشش دادیم. هدف ما از این سفرهای تازه این بود که به درک فراگیرتری از جنبش موسوم به بهار عربی و پیامدهای عمدتا ناخوشایند آن دست یابیم. با وخیم‌تر شدن وضعیت در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶، سفرهای ما نیز نقاط بیشتری را در بر گرفت: از جزایری در یونان که سیلی از مهاجران گریخته از عراق و سوریه به آن‌جا سرازیر شده بودند، تا خطوط مقدم در شمال عراق، جایی که جنگ علیه داعش با قوت تمام جریان داشت.

ما نتایج این پروژه‌ی ۱۶ ماهه را در قالب شش روایت جداگانه تنظیم کردیم که با استفاده از بافت گسترده‌تری از رشته حوادث تاریخی، در پی فراهم‌آوردن تصویری با جزئیات کامل و روشن از وضعیت جهان آشوب‌زده‌ی عرب است.

این گزارش به ۵ بخش تقسیم شده است، که از لحاظ زمانی همان‌گونه که میان شخصیت‌های اصلی راوی حرکت می‌کند، پیش می‌رود. بخش اول، علاوه بر معرفی چند نفر از این شخصیت‌ها، بر سه عامل تاریخی که برای درک بحران فعلی الزامی هستند متمرکز شده است: بی‌ثباتی ذاتی دولت‌های ساختگی خاورمیانه؛ وضعیت مخاطره‌آمیز دولت‌های عرب متحد آمریکا پس از آن‌که ناچار شدند سیاست‌هایی را پیاده کنند که به‌شدت توسط مردم خودشان با آن‌ها مخالفت صورت می‌گرفت؛ و مداخله‌ی آمریکا در عراق، کشوری که در واقع در طی ۲۵ سال گذشته به چند بخش تقسیم شده بود؛ حادثه‌یی که در آن زمان، و حتا پس از آن، کمتر به آن توجه شد اما اساس مشروعیت تمام دولت-ملت‌های مدرن عرب را زیر سوال برد. بخش دوم در اصل به تهاجم آمریکا به عراق، و این‌که چگونه این اقدام زمینه را برای شورش‌های بهار عربی فراهم ساخت، اختصاص داده شده است. در بخش ۳، روایت سرعت بیشتری می‌گیرد و ما پیامدهای انفجارمانند شورش‌های رخ‌داده در مصر، لیبی، و سوریه را دنبال می‌کنیم. در بخش ۴، تاریخچه‌ی ظهور داعش با شرح رویدادها به‌صورت زمانی و منظم بیان می‌شود. بخش ۵ که بررسی پیامدها در بخش مهاجرت‌ها از این منطقه را در بر می‌گیرد، ما دقیقا در زمان حال، و در مرکز بزرگ‌ترین نگرانی جهانی قرار داریم.

من تلاش کرده‌ام تا روایتی انسانی را بیان کنم؛ روایتی که قهرمانانی در آن حضور دارند، و حتا بارقه‌هایی از امید در آن دیده می‌شود. اما در نهایت، آن‌چه در ادامه می‌آید، یک هشدار جدی است. امروز، تراژدی و خشونت خاورمیانه از منابع اصلی خود فراتر رفته است. نزدیک به یک میلیون از مردم سوریه و عراق برای گریز از جنگی که در خانه‌های‌شان جریان دارد، به اروپا سرازیر شده‌اند؛ ترویرست‌ها حملات خود را از داکا تا پاریس و فراتر از آن اجرا می‌کنند. با افزایش نگرانی‌ها در رابطه با داعش پس از قتل‌عام‌های سان برناردینو و اورلاندو، دو موضوع مهاجرت و ترویرسم در ذهن بسیاری از آمریکایی‌ها با هم پیوند خوردند، این مسأله به یک نقطه‌ی حساس و سرنوشت‌ساز در انتخابات آینده ریاست‌جمهوری تبدیل شده است. این‌که بگوییم بحران جهان عرب ریشه در نخستین جنگ جهانی دارد، تا حدی و از جهتی درست است. چرا که مانند آن جنگ، یک بحران منطقه‌یی به‌سرعت و به‌گونه‌یی فراگیر، با کمترین منطق یا دلیل، بر حوادث جاری در هر گوشه از جهان تأثیر می‌گذارد.

| | | | | | |
|-------------------------------------------------------------------------|------------------|------------------------------------|----------------|------------------------------------------------------------|---------------------------------|
| <p>هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان در یافت کنید</p> | | <p>zaki.daryabi2@gmail.com</p> | | <p>صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی</p> | |
| <p>Subscribe to Daily Etilaat Roz</p> | | <p>برای ادارات دولتی و شرکتهای</p> | | <p>معاون مدیرمسئول: حمیرا رسا</p> | |
| <p>6 Months</p> | <p>120\$ USD</p> | <p>۳۰۰۰ افغانی</p> | <p>شش ماهه</p> | <p>۲۰۰۰ افغانی</p> | <p>دبیر خبر: عصمت الله سروش</p> |
| <p>Annual</p> | <p>200\$ USD</p> | <p>۵۰۰۰ افغانی</p> | <p>یک ساله</p> | <p>۴۰۰۰ افغانی</p> | <p>گزارشگر: الیاس نواندیش</p> |
| | | | | <p>بازاریاب: محمد حسین جویا ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲</p> | |
| | | | | <p>ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com</p> | |
| | | | | <p>آدرس: کابل، کارته سه، سرک شورا</p> | |
| | | | | <p>شماره تماس: ۰۷۸۹۶۴۵۱۶</p> | |
| | | | | <p>مسئول توزیع: روح الله مرادی ۰۷۷۶۹۴۰۴۵۴ / ۰۷۹۲۹۱۹۳۳۲</p> | |
| | | | | <p>چاپ: مطبعه امام ۰۷۹۹۱۴۲۹۹۹</p> | |

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می باشد. مسئولیت سایر نوشته ها به نویسندگان آن بر می گردد.



Asad Buda

بدسخن گفتن در باب انسان قربانی

در ضرورتی سخن گفتن و دفاع از انسان قربانی بحتی نیست. سخن ر استین بازتعریف وضعیت به نفع انسان قربانی است. ضرورت سخن گفتن اما بدان معنا نیست که خیالپردازی‌های شخصی خود را به نام تاریخ انسان قربانی قالب کنیم و یا وقتی کسی از ما بپرسد که چرا مفاهیم را خطا به کار می‌بری، به جای تصحیح خطاهای مفهومی و روشی و مسئولیت‌پذیری در برابر گفته‌های مان، مظلومیت قوم و طایفه و تبار خود را به رخ بکشیم. مظلومیت قوم و تبار خطاهای ما را توجیه نمی‌کند، مسئولیت ما را سنگین‌تر می‌کند. مصلحت‌گرایی، رفیق‌بازی و نادیده‌انگاری روایت‌های سرچپه، ادعاهای بی‌سند، تحلیل‌های بی‌روش و از همه بدتر فراقفنی سهل‌انگاری‌های حرفه‌یی و ارتکاب خطاهای عمد، ستم مضاعف بر قربانیان است. از ستم‌گری و ظلم جباران نمی‌توان، حق کاربرد خطای مفاهیم و روش‌ها را نتیجه گرفت. سمت‌گران در برابر ستم‌های شان مسئول‌اند و ما در برابر کردار و پندار و گفته‌های مان.

بازتعریف وضعیت ربطی به کمیت ندارد، تابع کیفیت سخن است. «من رویایی دارم» مارتین لوتر کینگ در دفاع از حق برابری سیاه‌پوستان آمریکا، فقط یک خطابه‌ی چند صفحه‌ی است، ولی همین خطابه‌ی کوتاه به دلیل دقت‌های زبانی و محتوای بلندش، به صدای ماندگار آدمی و مانیفیست مبارزه با تبعیض نژادی بدل شد. کوتاه‌نوشت «روشنگری چیست؟» کانت، نه به دلیل حجم، بلکه به دلیل عمقی که دارد، به بزرگ‌ترین پرسش دنیای جدید بدل گردید. «عناصر یهودستیزی» آدورنو و اورکهایمر، در توضیح ستم بر یهودیان یک مقاله است و مانیفیست کارل مارکس، علیه نابرابری‌های انسانی، کوچک‌تر از یک کتاب جیبی. سیاه‌کردن کاغذ حق شخصی هر کسی است ولی وقتی کسی خیال‌پردازی‌های شخصی خود را به عنوان تاریخ و فرهنگ مردم و سرگذشت انسان‌های قربانی قالب می‌کند، باید مورد پرسش قرار گیرد. درست نیست ضعف‌ها و سهل‌انگاری‌ها و غیر مسئولانه‌نگاری‌های خود را با ستم‌هایی که بر قوم و طایفه و تبار ما رفته‌اند توجیه و از زیر بار مسئولیت حرفه‌یی شانه خالی کنیم. سکوت در مورد آن‌چه بر قربانیان می‌رود، غیر اخلاقی است، بدسخن‌گفتن در باب انسان قربانی، اما غیراخلاقی‌تر است و البته غیر اخلاقی‌تر از هر دو این‌که ما سهل‌انگاری‌ها و قصور و کوتاهی خود را بر اساس بی‌عدالتی‌هایی که بر قربانیان اعمال شده‌اند، توجیه کنیم.



Malek Sitez

«تعلیم و تربیت برای آن است تا از خرافات و تعصبات بر حذر شوی». این مقوله‌ی فلسفی، ماحصل فلسفه‌ی یونان باستان است که مفهوم خردورزی عصر روشن‌گری را نیز برتابیده است. برخی‌ها از تام تا شام به‌ذنبال شما هستند تا از هر نوشته «تفسیر» فرطیت قومی، زبانی و مذهبی کنند و شما را به‌سان خود کوچک جلوه دهند.

در این‌جا می‌خواهم واضح بگویم من از هرگونه افراطیت به‌شدت متنفرم زیرا آن‌را برخلاف فلسفه‌ی روشن‌گرانه می‌دانم. من بارها نوشته و گفته‌ام گرایش‌های افراطی، شامل گفتمان ارزشی نیست! بیابید مرز و رمز تحلیل و داوری را در مورد هم‌دیگر رعایت کنیم.



Hamza Vaezi

زیبایی زنانه؛ هنری برای مبارزه‌ی هویتی مفهوم «زیبایی زنانه» اساساً زاینده‌ی انتظار نیست که جامعه‌ی «مذکر» از موجودی بنام زن دارد. مردان، با قدرت فائده‌ی که در حوزه‌های مختلف معرفتی، سیاسی و اقتصادی در انحصار دارند، فرهنگ زیبایی پسند و سلیقه‌ی جمال‌شناسی خود را بر الگوهای رفتاری، باورهای فرهنگی - جنسیتی، سلیقه‌ی هنری و زیبایی‌شناسانه و هنجارهای ارزشی جامعه تحمیل می‌کنند.

زنان اما در این تعامل نابرابر، خواهان ظهور و تعریف «قدرت» تأثیرگذاری خویش هستند. بدین ترتیب است که زنان از عنصر مهم و منحصر به فردی بنام «زیبایی» برای مبارزه به‌منظور کسب قدرت و نفوذ اجتماعی و جدی گرفته شدن شخصیت و هویت فردی در جامعه‌ی نابرابر بر می‌خیزند. از همین رو، عنصر زیبایی زنانه تقریباً در تمام جوامع، به‌ویژه در جوامع مرد محور، قبل از آن که یک ویژگی فطری - بیولوژیک شناخته و تعریف شود، یک «هنر» مبارزه‌ی هویتی - سمبلیک برای زنان تلقی می‌گردد که برای تثبیت قدرت تأثیرگذاری این گروه اجتماعی در یک نظام مذکرانه‌ی سیاسی - اجتماعی و در یک تعامل فرهنگی - هویتی جنسیت‌گرا، به کار می‌آید.

سازمان ملل: داعش از ساکنان موصل به‌عنوان «سپر انسانی» استفاده می‌کند

نفر در موصل زندگی می‌کنند. این شهر بزرگ از دو سال پیش تاکنون در تصرف تروریست‌های داعش قرار دارد. موصل به‌عنوان آخرین پایگاه مهم داعش در عراق شناخته می‌شود. در صورت بازپس‌گیری موصل نیروی نظامی داعش به‌شدت تضعیف خواهد شد. حیدر عبادی، نخست‌وزیر عراق می‌گوید عملیات آزادسازی موصل سریع‌تر از آن چه برنامه‌ریزی شده بود پیش می‌رود.

عملیات موصل دوشنبه ۱۷ اکتوبر آغاز شد و تاکنون ادامه دارد. در این عملیات ۳۰ هزار نیروی ارتش عراق، پیشمرگه‌های کرد و شبه‌نظامیان شیعه شرکت دارند. نیروهای ائتلاف به رهبری ایالات متحده آمریکا نیز از این عملیات پشتیبانی هوایی می‌کنند. رسانه‌های داخلی نزدیک به سپاه پاسداران اما می‌گویند فقط ارتش عراق و شبه‌نظامیان شیعه در این عملیات شرکت دارند. بیش از یک میلیون و پانصد هزار

اطلاعات روز: دفتر حقوق بشر سازمان ملل اعلام کرده است که گروه تروریستی داعش برای دفاع از موصل ۵۵۰ خانوار از روستاهای حومه موصل را گرد آورده و از آن‌ها به‌عنوان یک «سپر انسانی» برای دفاع از شهر استفاده می‌کند. خیرگزاری روتترز گزارشی از قتل روستاییان حومه موصل در گفت‌وگو با بازماندگان آن‌ها تهیه و منتشر کرده است.

مقام‌های امریکا در رابطه با اظهارات رییس جمهور فیلپین «توضیح خواهند خواست»

اما پس از رسیدن به قدرت در ماه جون (سه ماه پیش) لحن او در برابر پکن آشتی‌جویانه‌تر شد. اخیراً آقای دوترته گفت به انجام تمرینات مشترک نظامی با امریکا پایان خواهد داد. آقای دوترته در واکنش به انتقاد امریکا از نبرد دولت او با مواد مخدر که با قتل فراقانونی هزاران نفر مرتبط بود، امریکا را نصیحت کرده و گفته است آقای اوپاما می‌تواند «به جهنم برود». او روز پنج‌شنبه به تاجران چینی و فیلیپینی گفت: «من جدایی خود از ایالات متحده را اعلام می‌کنم، در بخش نظامی شاید نه اجتماعی اما در بخش اقتصادی نیز. امریکا باخته است.» جان کری، سخنگوی وزارت امور خارجه امریکا گفت ایالات متحده «از این لفاظی‌ها گیج شده است» و دانیل راسل، معاون وزیر امور خارجه آخر هفته به مانیل سفر خواهد کرد تا پاسخ‌هایی دریافت کند.

از ایالات متحده نیست. روز دوشنبه، رامون لویز، وزیر تجارت فیلیپین به بی‌بی‌سی گفت فیلیپین تجارت با ایالات متحده و سرمایه‌گذاری در این کشور را متوقف نخواهد کرد. آقای لویز، که همراه آقای دوترته به پکن رفته گفت: «ما روابط مان با غرب را حفظ می‌کنیم، اما وابستگی بیش از حد را کاهش می‌دهیم یا از آن فاصله می‌گیریم.» روابط میان چین و فیلیپین به دلیل مناقشه ارضی در دریای چین جنوبی پس از آن که دادگاه بین‌المللی در این بحث با رد ادعاهای چین جانب فیلیپین شد رو به وخامت گذاشته بود. روز پنج‌شنبه هر دو کشور اعلام کردند برای حل این مناقشه گفت‌وگوها را از سرخواهند گرفت. اگر چه آقای دوترته در جریان مبارزات انتخاباتی لحن تند خود نسبت به چین را کنار نگذاشته بود

اطلاعات روز: پس از آن که رودریگو دوترته، رییس‌جمهوری فیلیپین، اعلام کرد کشورش از امریکا فاصله می‌گیرد، مقام‌های امریکایی گفتند از دولت فیلیپین توضیح خواهند خواست. به نقل از بی‌بی‌سی، آقای دوترته در جریان سفر به چین برای شرکت در یک همایش اقتصادی برنامه‌اش برای جدایی کشورش از ایالات متحده در امور نظامی، اقتصادی و احتمالاً اجتماعی را اعلام کرد. با این حال، برخی از اعضای کابینه آقای دوترته از جمله وزیران امور خارجه و تجارت گفته‌اند فیلیپین روابط سنتی مستحکم خود را با واشنگتن قطع نخواهد کرد. جان کری، سخنگوی وزارت امور خارجه امریکا گفته است این اظهارات «در تضاد» با روابط نزدیک موجود میان دو کشور است. این نخستین اظهارات آقای دوترته درباره جدایی

حمله‌ی داعش بر ولایت کرکوک عراق

حاکمیت عراق تأکید دارد. اما آقای کارتر از ابراز نظر صریح در این مورد که آیا ترکیه باید اجازه یابد در عملیات عراق شرکت کند یا نه، خودداری کرده و آن را موضوعی حساس خواند. سفر وزیر دفاع امریکا به ترکیه در حالی صورت گرفته که حکومت انکارا در مورد شراکت در عملیات بازپس‌گیری موصل از داعش با عراق اختلاف نظر دارد. رجب طیب اردوغان از این‌که ترکیه در عملیات ائتلاف علیه داعش در موصل شرکت ندارد، ناراحت بوده و از حمایت واشنگتن از جنگ‌جویان کرد که در سوریه با داعش می‌جنگند، خشمگین است. با این‌که عراق از قبل خواستار حضور و آموزش نیروها توسط ترکیه شده بود اما دو هفته پیش حیدرعبادی، نخست‌وزیر عراق از حضور نیروهای ترکیه انتقاد کرد و خواستار خروج آن‌ها از عراق شد که این اظهارات با واکنش تند رجب طیب اردوغان روبرو شد.

ساختمان‌هایی است که در این شهر مورد حمله مهاجمان انتحاری قرار گرفته است. حملات روز جمعه چهار روز پس از آغاز عملیات ارتش عراق برای بازپس‌گیری شهر موصل صورت می‌گیرد. گروه داعش از سال ۲۰۱۴ تاکنون کنترل این شهر را در دست دارد.

اختلافات عراق و ترکیه روی نبرد با داعش در عراق

از سوی هم اختلاف ترکیه و عراق بر سر نبرد با داعش در خاک عراق، سبب شده تا وزیر دفاع ایالات متحده به انکارا سفر کند. اشتون کارتر، وزیر دفاع ایالات متحده به روز جمعه به انکارا پایتخت ترکیه رفته و با رجب طیب اردوغان رییس‌جمهور و شمار از مقام‌های دفاعی و سیاسی ترکیه ملاقات کرد. به نقل از خبرگزاری اسوشیتد پرس، وزیر دفاع ایالات متحده در آغاز گفته بود که او به رهبران ترکیه خواهد گفت که امریکا بر ضرورت احترام به حق

اطلاعات روز: در حالی که چند روز از حمله گسترده ارتش عراق علیه داعش در شهر موصل می‌گذرد، اما جنگ‌جویان این گروه ۱۷۰ کیلومتر دورتر در ولایت کرکوک حمله کردند. چند ساختمان شهر کرکوک در شمال عراق و یک نیروگاه برق در ۴۰ کیلومتری این شهر در ساعات اولیه روز جمعه هدف حمله انتحاری قرار گرفت.

به نقل از یورو نیوز، حمله‌ی مهاجمان به یک نیروگاه برق نیمه ساخت در شهر دبس در ولایت کرکوک ۱۶ کشته بر جا گذاشت. دوازه تن از کشته شدگان کارکنان عراقی و چهار نفر نیز متخصصان ایرانی این نیروگاه بودند. گروه داعش در یک بیانیه‌ی اینترنتی مسئولیت این حملات را بر عهده گرفته است. کرکوک در کنترل نیروهای کرد قرار دارد و مقامات محلی در این شهر حکومت نظامی اعلام کرده‌اند. خیرگزاری فرانسه به نقل از شاهدان عینی از حضور ده‌ها مهاجم مسلح در خیابان‌های کرکوک خبر داده است. قرارگاه اصلی پولیس کرکوک از جمله

قاضی آرژانتینی در پی بازداشت مشاور امور بین‌المللی رهبر ایران

خبرگزاری تلام آرژانتین گزارش می‌دهد که قاضی همچنین در تقاضای استرداد خود به مقامات عراقی گفته است که آقای ولایتی در مقام وزیر امور خارجه وقت «تمام منابع در دسترس خود، از جمله اعطای پاسپورت و ویزا و مصونیت دیپلماتیک» را برای اجرای موفقیت‌آمیز عملیات در اختیار عاملان آن قرار داده بود. قاضی آرژانتینی در ماه جولای سال میلادی جاری نیز پس از اطلاع از سفر آقای ولایتی به سنگاپور و مالزی از دولت‌های این کشورها تقاضای استرداد مشاور رهبر ایران را کرده بود. پرونده بمب‌گذاری آمیا پس از قتل آلبرتو نیسمان، دادستان این پرونده در سال گذشته بار دیگر خبرساز شد.

ایران و گروه حزب الله لبنان را به طراحی و اجرای آن حمله متهم کرد. اکبر هاشمی رفسنجانی (رییس‌جمهور)، علی فلاحیان (وزیر اطلاعات) و علی اکبر ولایتی (وزیر امور خارجه) از جمله مقامات وقت ایران بودند که در رابطه با بمب‌گذاری آمیا تحت تعقیب بین‌المللی قرار دارند. ایران و حزب الله لبنان اتهام دست داشتن در بمب‌گذاری آمیا را قویاً رد می‌کنند. قاضی آرژانتینی در تقاضای استرداد خود نوشته است که آقای ولایتی در جلسه‌یی که تصمیم بمب‌گذاری در آن گرفته شد حضور داشته و به اتهام ارتکاب قتل تحت تعقیب پولیس بین‌المللی (اینترپل) قرار دارد.

اطلاعات روز: خبرگزاری دولتی آرژانتین (تلام) گزارش داده است که یک مقام قضایی ارشد این کشور از عراق تقاضای استرداد علی اکبر ولایتی، مشاور امور بین‌المللی رهبر ایران را کرده است. آقای ولایتی روز پنج‌شنبه برای شرکت در نشست شورای عالی «مجمع جهانی بیداری اسلامی» به بغداد سفر کرد. به نقل از بی‌بی‌سی، قاضی فدرال «رودولفو کانیکوبا کورال» مأمور رسیدگی به پرونده بمب‌گذاری سال ۱۹۹۴ در انجمن همیاری اسرائیل و آرژانتین (آمیا) در بوئنوس آیرس، پایتخت آرژانتین است. در آن انفجار دست کم ۸۵ نفر کشته شدند. آرژانتین در سال ۲۰۰۶ میلادی رسماً چند مقام ارشد

ناوهای روسیه با همراهی کشتی‌های بریتانیا از کانال مانس گذشتند

ینس استولتنبرگ، دبیر کل ناتو، ابراز نگرانی کرده که تقویت حضور نیروی دریایی روسیه در آب‌های اطراف سوریه به «بحران انسانی» در سوریه دامن بزند. روابط روسیه با کشورهای اروپای غربی و اعضای ناتو به واسطه بحران سوریه و اوکراین تنش‌آمیز شده است. ترزا می، نخست‌وزیر بریتانیا، از رهبران اروپایی خواست موضع روشنی در برابر روسیه بگیرند تا به بمباران حلب پایان دهد.

ناوهای روسیه را هنگام عبور همراهی کردند. تصور می‌شود که ناوگروه روسی می‌خواهد با استقرار در دریای مدیترانه عملیات روسیه را در حلب پشتیبانی کنند. مایکل فالون، وزیر دفاع بریتانیا، گفت کشتی‌های روسیه از آب‌های بین‌المللی گذشتند اما این بخشی از وظیفه نیروی دریایی بریتانیایی بود تا آن‌ها را رصد کند.

اطلاعات روز: ناوگروه نیروی دریایی روسیه که از دریای شمال راهی مدیترانه شده است، از کانال مانس، آبراهه میان فرانسه و بریتانیا، گذشت. یک ناو هواپیمابر روسیه با قابلیت حمل ۵۰ هواپیمای نظامی در این گروه ناوی حضور دارد. پناو هواپیمابر دریادار کوزنتسوف به موشک‌های کروز نیز مجهز است. به نقل از بی‌بی‌سی، کشتی‌های نیروی دریایی بریتانیا

نانی: مسی بازیکن خاصی است

نانی، مهاجم والنسیا به تمجید از لیونل مسی پرداخت و او را بازیکن خاص دانست.

مسی اخیراً از مصدومیت ریکآوری کرده و از زمان بازگشتش ۴ گول در دو بازی به ثمر رسانده که شامل هت تریک مقابل منچستر سیتی می‌شود. حال نانی که امروز به همراه والنسیا میزبان مسی خواهد بود، او را بازیکنی خاص دانست. او گفت: مسی بازیکن ویژه‌ای است و بازیکنان کمی قابل قیاس با او هستند.

نانی سپس به تمجید از رونالدو پرداخت و گفت: ما می‌دانیم که رونالدو هم تیمی ماست و همه ساله با مسی برای توپ طلا در رقابت بوده است. ولی خیلی طول نخواهد کشید که بفهمیم بهترین بازیکن جهان کیست. والنسیا شروع بد خود را رفته رفته بهبود بخشیده است. آن‌ها در حال حاضر در رده‌ی چهاردهم لیگ قرار گرفته‌اند و در ۳ بازی از ۴ بازی اخیر به پیروزی دست پیدا کرده‌اند.

دی بروین: تاکتیک گواردیولا مقابل بارسا درست بود

دو تیم سیتی و بارسلونا چهارشنبه هفته گذشته به مصاف یکدیگر رفتند که آبی‌اناری‌ها موفق شدند با نتیجه ۴-۰ حریف خود را در هم بکوبند. از گواردیولا به خاطر نیمکت‌نشین کردن آگنرو در آن دیدار انتقادات بسیاری به عمل آمد ولی دی بروین به تمجید از سرمربی خود پرداخت.

او گفت: فکر می‌کنم ما در مسیر درستی قرار داریم. مشخصاً دیدار مقابل اورتون را می‌توانستیم به راحتی ببریم، همه این را می‌دانند، حتی وقتی بازی ۱-۱ بود. حتی مقابل بارسلونا هم ما بد بازی نکردیم و فقط اشتباه انجام دادیم که در فوتبال رخ می‌دهد. می‌توانستیم خیلی راحت گول بزینیم، مالکیت توپ در اختیار ما بود و تقریباً از حریف موقعیت گول‌زنی بیشتری داشتیم. در نهایت حریف ۴ گول زد که به نظر برای ما خیلی بد می‌آید ولی فکر نمی‌کنم که ما باید حس بدی داشته باشیم. فکر نمی‌کنم باید روحیه تیم تغییری پیدا کند. ما بازی‌های زیادی برده‌ایم و بارسلونا نیز تیم بدی نیست. می‌دانیم مردم می‌گویند نتیجه بدی کسب کرده‌اید ولی من طور دیگری موضوع را می‌بینم. مردم می‌توانند هر چه می‌خواهند بگویند ولی ما باید این‌طور بازی کنیم و بازی‌های زیادی را نیز به این شکل خواهیم برد. مشخصاً اشتباهات بدی داشتیم زیرا ۴-۰ باختیم ولی فکر می‌کنم باید همین‌طور بازی کنیم.

آبیدال: مصدومیت رونالدو به نفع پرتگال شد

ستاره پرتگالی در اوایل بازی دچار مصدومیت شد و نتوانست تیمش را در ادامه فینال یورو مقابل فرانسه همراهی کند. در نهایت پرتگال در وقت‌های اضافه پیروز میدان شد و جام قهرمانی به رونالدو رسید. حال آبیدال مدعی شد که مصدومیت رونالدو باعث شد پرتگال قهرمان یورو شود.

او گفت: فرانسه تورنمنت خوبی پشت سر گذاشت و بدچانس بود زیرا اگر ژینیاک دروازه پرتگال را باز می‌کرد، جام برای ما بود. رونالدو به خاطر مصدومیت بیرون رفت و این به ضرر فرانسه و به نفع پرتگال شد. پرتگال بدون رونالدو آرامش بیشتری داشت، بازیکنان برای رونالدو بازی کردند ولی در غیاب او روحیه تیم بالا رفت و استرسی وجود نداشت. ولی برای فرانسه مثل یک شوک بود زیرا رونالدو در زمین نبود و باید بیشتر می‌جنگیدیم. نگاه کنید چه کسی گول زد، کسی که تا به حال بازی نکرده بود.

تمدید قرارداد نیمار با بارسلونا

پس از کش‌وقوس‌های فراوان، نیمار ابتدای تابستان قرارداد خود با بارسلونا را تا ۲۰۲۱ تمدید کرد ولی به دلیل حضورش در بازی‌های المپیک، نشست خبری این اتفاق به دیروز موکول شده بود.

رقم فسخ قرارداد فعلی او ۱۹۰ میلیون یورو است که با قرارداد جدید، در انتهای سال ۲۰۱۹ به ۲۰۰ میلیون افزایش خواهد یافت و سال ۲۰۲۱ نیز به ۲۵۰ میلیون خواهد رسید. نیمار در مصاحبه با بارسا تی وی رفت: از تمدید قرارداد با بارسا احساس بسیار خوبی دارم. بارسلونا مثل خانه من است. قبل از پیوستن به بارسا (۲۰۱۳) می‌دانستم که این تیم چه قدر بزرگ است. البته اعتراف می‌کنم که در ابتدا کمی ترس داشتم چون بازیکنان بسیار بزرگی در بارسا بودند اما از همان روزهای اول، تواضع، دوستی و ارتباط صمیمانه بازیکنان مرا شوکه کرد. خیلی زود در این تیم پذیرفته شدم و حالا دوستان بسیار خوبی برای یک‌دیگر هستیم.



سوارز: چهره جذابی برای توپ طلا نیستم

لوئیس سوارز که پنج‌شنبه هفته گذشته، دومین کفش طلای خود را دریافت کرد معتقد است که هیچ چانس‌ی برای تصاحب توپ طلا نخواهد داشت.

کفتر از سه ماه به مشخص شدن برنده توپ طلای سال ۲۰۱۶ زمان داریم و از حالا مشخص است که این جایزه را به رونالدو می‌رسد یا به مسی. اتفاقی تکراری از سال ۲۰۰۹.

لوئیس سوارز، مهاجم ارزشمند بارسلونا که نقش او در موفقیت‌های دو سال اخیر بارسا غیر قابل انکار است، در مورد چالش بردن توپ طلا گفت: معتقدم برای کسب توپ طلا عواملی چون مارکتینگ،

گیگز: دوست دارم مودریچ به یونایتد بپیوندد

اسطوره باشگاه منچستریونایتد از علاقه خود برای حضور مودریچ در باشگاه محبوبش خبر داد. مودریچ پس از چند فصل درخشان در لیگ برتر با پیراهن تاتنهام، سال ۲۰۱۲ به رئال پیوست و در حال حاضر به مهره‌ی بی‌جان‌ترین در جمع کهکشانی‌ها بدل شده است.

ستاره کروات که این روزها مصدوم است، به تازگی

دیبالا: یووه پیشنهادی بزرگ برای من را رد کرد

پائولو دیبالا، ستاره ارجنتائینی یوونتوس، تابستان ۲۰۱۵ با رقم ۳۷ میلیون یورو از پالمو به جمع بیانکونری‌ها اضافه شد و از او به عنوان مسی آینده فوتبال یاد می‌شود.

گفته می‌شد که بارسلونا نیز علاقمند به جذب دیبالا بود اما او یوونتوس را ترجیح داد. تابستان امسال نیز تیم‌های بزرگ زیادی خواهان جذب دیبالا بودند و یکی از آن‌ها حاضر بود مبلغی بالا برای جذب وی هزینه کند اما مدیران یووه آن را رد کردند.

دیبالا در همین رابطه گفت: یوونتوس یک پیشنهاد

پرز: پولی که به راموس می‌دهیم منصفانه است

برخی معتقدند که سرخو راموس مبلغی بیش از آنچه شایستگی اش را دارد از رئال دریافت می‌کند. او تابستان ۲۰۱۵ و پس از کش‌وقوس‌های فراوان قراردادش را با رئال تمدید کرد.

راموس در حال حاضر سالانه ۱۰ میلیون یورو از رئال دریافت می‌کند. کاپیتان رئال تابستان گذشته با استفاده از پیشنهاد منچستریونایتد توانست قراردادی بالا با رئال امضا کند.

فلورنتینو پرز، رئیس باشگاه رئال مادرید، در جمع اعضای باشگاه در مورد حقوق دریافتی راموس

کاراسکو با اتلتیکو تمدید کرد

اینبار کاراسکو، هافبک اتلتیکومادرید، قراردادش با این باشگاه را تا سال ۲۰۲۰ تمدید کرد. هافبک بلژیکی فرم بسیار خوبی در این فصل داشته و در دیدار مقابل بایرن مونیخ در چمپیونزلیگ گول ۳ امتیازی برای این تیم به ثمر رساند و مقابل گرانادا نیز هت‌تریک کرد. حال باشگاه اتلتیکومادرید تایید کرد که به قرارداد این بازیکن دو سال افزوده شده و تا سال ۲۰۲۰

مورینیو هیچ وقت با من حرف نمی‌زد

ویکتور موسس، مهاجم جوان تیم چلسی اعتراف کرد که از شرایط خود در تیم چلسی و کار کردن با آنتونیو کونته کاملاً راضی است.

موسس ادعان داشت که هرگز رابطه خوبی با مورینیو، سرمربی سابق چلسی و فعلی منچستر نداشته و حالا احساس بسیار خوبی از حضور کونته دارد.

موسس گفت: فصل اول حضورم در چلسی شرایط خوبی داشتم و این موضوع تا زمان حضور رافا بنیتز نیز ادامه داشت. اما بعد از رفتن او و حضور مورینیو روی نیمکت، من هیچ چانس‌ی برای بازی کردن نداشتم. او هرگز با من حرف نمی‌زد و من احساس می‌کردم او تعدادی بازیکن را تحت هر شرایطی در ذهن خودش برای استفاده کردن داشت. زمانی که به صورت قرضی در لیورپول مشغول بودم، چند بار با هم تلفنی حرف زدیم و مورینیو به من گفت که اگر در تیم جدیدم شرایط خوبی دارم، لیورپول را ترک نکنم. اما از زمانی که کونته به چلسی آمد، من از فوتبال بازی کردن لذت می‌برم زیرا او به همه، حتی بازیکنان جوان نیز توجه دارد و چانس بازی کردن می‌دهد. اگر شما به سختی تمرین کنید، کونته به آن توجه کرده و به شما موقعیت درخشیدن خواهد داد.

پرز: رئال هیچ نیازی به مدیر ورزشی ندارد

پس از استعفای خورخه والدانو، رئال مادرید سال‌هاست که دیگر مدیر ورزشی ندارد و رئیس باشگاه همراه با مدیر عمومی، کارهای مربوط به نقل و انتقالات را انجام می‌دهند. این انتقادی بوده که همواره به فلورنتینو پرز، رئیس باشگاه رئال وارد شده و بسیاری او را یک دیکتاتور می‌دانند.

شرایط رئال بر خلاف بارسلونا است که کارهای مربوط به جذب بازیکن برای تیم اول و تیم‌های پایه ای را روبرت فرناندز به عنوان مدیر ورزشی انجام می‌دهد. پیش از او نیز زوبی زارتا و بگریستین این وظیفه را بر عهده داشتند.

پرز در همین رابطه به دیابرواکی گفت: رئال نیازی به مدیر ورزشی ندارد. ما بهترین بازیکنان اسپانیا و دنیا را برای تیم اول و بازیکنان مستعد و آینده‌دار را برای تیم‌های پایه‌یی جذب می‌کنیم.

رئال همیشه به بهترین‌ها نیاز دارد و برای این مهم، هیچ نیازی به مدیر ورزشی نیست. بعد از والدانو، یک مدیر عمومی داریم (آنخل سانچس) که خریده‌های فوق‌العاده‌یی از زمان دوره دوم ریاستم بر رئال انجام داده است.

رئال برای در اختیار داشتن بهترین‌ها، نیاز به پول و هزینه کردن دارد و این‌جا پول تعیین کننده است. برای چنین چیزی همیشه باید از لحاظ اقتصادی رشد کنیم. زمانی مورینیو حرف خوبی زده بود که یک باشگاه درجه یک مثل رئال، باید از همه نظر درجه یک باشد.

بوفون: دوست ندارم مربی باشگاهی شوم

جی جی بوفون، دروازه‌بان باتجربه یوونتوس، اعلام کرد که علاقه‌یی به کار به عنوان مربی باشگاهی ندارد و تاکید کرد که ترجیح می‌دهد در یک تیم ملی کار کند.

بوفون که اولین بازی ملی‌اش را در سال ۱۹۹۷ و در ۱۹ سالگی انجام داد، تاکنون ۱۶۵ بازی برای ایتالیا انجام داده و با این تیم در سال ۲۰۰۶ قهرمان جام جهانی شده است. او که از سال ۲۰۱۰ کاپیتان تیم ملی ایتالیاست، اعلام کرد که از فرصت حضور روی نیمکت آتزوری استقبال می‌کند.

او به کوریره دلو اسپورت گفت: ۳۲ سال است که فوتبال همه دنیای من است. من خوش چانس بودم که مانند یک کرم درون پیله، در مورد این فوتبال دانش به دست آوردم. بودن در زمین زیباترین بخش فوتبال است. این احساسی به من می‌دهد که برایم معنای زندگی است اما دوست ندارم مانند مربی باشگاهی، هر روز کار کنم.

اما احتمال حضورم در تیم ملی را رد نمی‌کنم. در این صورت همچنان می‌توانم احساس از زمین بودن را داشته باشم و این وقت را هم داشته باشم که به کارهای دیگر بپردازم.

بوفون همچنین در مورد جانلوتیچی دوناروما، دروازه‌بان جوان میلان که گفته می‌شود جانشین او در تیم ملی ایتالیا خواهد بود، گفت: علی‌رغم فاصله سنی، او برای من مانند برادر کوچک‌تر است. او پسر خاصی است و بسیار آرام. من در این سن کاملاً متفاوت بودم.

او باهوش و اهل فکر کردن است و کیفیت فوق‌العاده‌یی دارد. او همه ویژگی‌های لازم برای تاریخ‌ساز شدن را دارد. باید ۲۰ سال صبر کنیم تا نتیجه کار او را ببینیم.



سازمان ملل: ده ماه جنگ ۲۳۲ هزار نفر را در افغانستان آواره کرده است

اطلاعات روز: سازمان ملل متحد از افزایش بیجاشدگان داخلی در اثر جنگ در افغانستان ابراز نگرانی نموده و می‌گوید در ده ماه اول سال جاری میلادی ۲۳۲ هزار تن بیجا شده‌اند و اگر جنگ به همین شدت دوام کند، ممکن است شمار بیجاشدگان در افغانستان به ۴۰۰ هزار نفر برسد. این نهاد خواستار توجه و تامین پول بیشتر برای کمک به بیجاشدگان داخلی در کشور شده و می‌گوید موج آوارگان داخلی و مهاجرانی که به کشور عودت می‌کنند، نیازمند کمک‌های بیشتر است.

چالوکا بیانی، گزارش‌گر ویژه سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر بیجاشدگان در پایان ماموریت ده روزه‌ی خود به روز پنج‌شنبه، ۲۹ میزان، در یک نشست خبری گفت ۵۶ درصد این بیجاشدگان را کودکان تشکیل می‌دهند.

آقای بیانی که در جریان سفر خود از کابل، هرات و مزار شریف دیدن نموده است، افزود که وضعیت بیجاشدگان در افغانستان به دلیل جنگ‌ها و درگیری‌های فزاینده در حال تغییر

است و احتمال آن می‌رود که تا ختم سال و با رسیدن فصل سرما منابع کم شده و چالش‌های بیجاشدگان بیشتر گردد.

این نماینده ویژه سازمان ملل گفت ارقام روز افزون بیجاشدگان نگران کننده است و تقریباً تمام ولایات افغانستان از بیجاشدگی که در نتیجه جنگ‌ها به میان آمده است، متاثر شده‌اند.

گزارش‌گر ویژه سازمان ملل از دیدار خود با بیجاشدگان داخلی گفت: «تعداد زیادی از این افراد چندین بار بیجا شده بودند. اولویت‌های این‌ها شامل خانه‌های مناسب، تسهیلات آموزشی برای اطفال، دسترسی به خدمات صحتی به‌شمول خدمات صحتی به زنان حامله، آب و حفظ الصحه و دسترسی به معیشت بودند.»

او گفت بیشتر این بیجاشدگان وظیفه را ندارند و مهارت‌های لازم برای دریافت وظیفه را ندارند و نیز منبع عایداتی خویش را که در محل اصلی از طریق زراعت و مالداري به دست می‌آوردند، از داده‌اند. او گفت: «این که ماه‌های سرد زمستان نزدیک می‌شود، لازمی است که تدابیر آمادگی

زمستانی برای افرادی که بیشتر آسیب‌پذیر اند، به‌شمول آن‌هایی که سرپناه کافی ندارند، مصونیت تضمین گردد و خانه، ابراهای گرم‌کننده و مواد غذایی برای شان ارایه گردد.»

نسل گم شده

گزارش‌گر ویژه سازمان ملل گفت ۵۶ درصد بیجاشدگان را اطفال تشکیل می‌دهند که دسترسی به تعلیم و تربیه ندارند و ممکن مجبور به کار باشند تا با خانواده‌های شان کمک مالی کنند.

او گفت این بیجاشدگان با مشکل نبود اسناد هویت روبرو اند و شاید این مشکل باعث شود تا اطفال بیجاشدگان از تعلیم باز بمانند. عدم دسترسی آنان به تعلیم این خطر را به وجود می‌آورد که در آینده با یک نسل گم شده‌ی روبرو باشیم که از تعلیم باز مانده باشند.

چالوکا بیانی در بخشی از صحبت‌های خود گفت بیجاشدگان داخلی به‌صورت دوامدار و تکراری از چالش‌های نداشتن اسناد ملکی شکایت داشتند و به‌صورت ویژه از عدم دسترسی به تذکره؛ سندی که برای دسترسی به خدمات تعلیمات اطفال و دسترسی به عدالت قانونی و همچنین خریداری زمین و ملکیت لازم می‌باشد.

وی از حکومت ملی و ادارات ولایتی خواست تا با درک چالش‌های امنیتی و لوژستیکی که بیجاشدگان با آن روبرو اند، تدابیر لازم را برای اخذ تذکره

انجام بدهند تا اخذ تذکره در محلی که بیجا شده‌اند، بدون موانع اداری برای بیجاشدگان صادر گردد.

او گفت: «به اساس حقوق ابتدایی دسترسی به تعلیم و تربیه، پالیسی بیجاشدگان هیچ طفل بیجا شده نباید به دلیل نداشتن تذکره و سوابق تحصیلی از دسترسی به آموزش محروم شود.»

گزارش‌گر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشری بیجاشدگان همچنان گفت در مورد وضعیت بیجاشدگانی که به‌صورت بسیار جدی آسیب‌پذیر اند، به‌شمول افرادی که دارای معلولیت، افراد مسن و آن‌هایی که ممکن زخمی شده باشند، مریض اند و یا مشکل روانی دارند نگران است.

چالوکا بیانی همچنان گفت توجه جامعه جهانی به افغانستان در راستای بحران بیجاشدگی در این زمان حیاتی بوده و کمک‌های بشری و توسعه‌ی نیاز مبرم به حساب می‌رود.

او از جامعه تمویل کننده این نهاد خواست تا به کمک بزرگ مالی که در هفتم سپتامبر فراخوان ۱۵۰ میلیون دلاری برای سال ۲۰۱۶ و همچنان برنامه پاسخ‌دهی بشری برای سال ۲۰۱۷ اعلام شده است، پاسخ مثبت بدهند.

سازمان ملل متحد درحالی از افزایش و وضعیت بیجاشدگان داخلی در افغانستان ابراز نگرانی می‌کند که براساس آمارهای وزارت مهاجرین در پانزده سال گذشته ۱,۱ میلیون افغان بیجا شده‌اند.



داریانا افغان هوایی شرکت
ARIANA AFGHAN AIRLINES

Facebook.com/flyariana
ariana.afghan.ariana
twitter.com/flyARIANAafghan
youtube.com/user/flyariana

+93(0)777071333
+93(0)700071333
+93(0)790071333
+93(0)786071333
www.flyariana.com
info@flyariana.com



داریانا افغان هوایی شرکت جهت عرضه خدمات بهتر هوایی و ایجاد سهولت به هموطنان عزیز تخفیف‌های ویژه را در قیمت تکت‌ها قرار ذیل ارائه نموده است:

| | |
|--------------------------------------------------|-----|
| تخفیف برای دیپلمات‌های محترم | 30% |
| تخفیف برای کارمندان محترم دولت | 20% |
| تخفیف برای محصلین گرامی | 25% |
| تخفیف برای ورزش کاران پر افتخار کمیته ملی المپیک | 20% |
| تخفیف برای افراد دارای معلولیت | 20% |

برنامه ملی میثاق شهروندی

رفاه معیشت مردم شهرها و روستاها، انکشاف متوازن و رسیدن به مدارج ترقی و تعالی اجتماعی - اقتصادی، هدف‌های بزرگی اند که دولت جمهوری اسلامی افغانستان بخاطر نیل به آنها، تلاش پیگیر دارد. طی بیشتر از ده سال‌ی که سپری شد، وزارت احیا و انکشاف دهات توانست با تطبیق هزاران پروژه انکشافی برنامه همبستگی ملی، حدود (۹۰٪) روستا‌های کشور را تحت پوشش بیاورد و با این حرکت بزرگ و سودمند، گام‌های استوار در راستای کاهش فقر، رشد اقتصادی روستاها، بهبود معیشت روستاییان، حل منازعات، ایجاد زمینه‌های عملی حکومت داری محلی و بسا ارزشهای درخشان دیگر برداشت.

خدمات گوناگون انکشافی، اجتماعی و اقتصادی برنامه همبستگی ملی در عرصه‌های سکتوری متعدد، توانست مردم روستای‌های کشور را گردهم بسیج نماید، به آنان صلاحیت انتخاب، تصمیم‌گیری و عمل را بدهد و با تطبیق هزاران پروژه عام المنفعه متمرکز، درحیات روستاییان ما تغییرات بزرگی را رونما سازد. اکنون روستا‌های ما نهاد‌های مردمی تصمیم‌گیرنده دارند که تحت نام شوراهای انکشافی، میتوانند مشکلات و نیازهای شانرا تشخیص نمایند، آنها اولویت بندی کنند و درنهایت، برای رسیدن به آرمان یک زنده‌گی بهتر تلاش ورزند.

اکنون که بعد از گذشتن بیشتر از یک دهه، برنامه همبستگی ملی پایان یافته است و هنوز هم کشور ما نیازمند انکشاف و بهبود وضع معیشتی مردم است، خوشبختانه تداوم برنامه همبستگی ملی با برنامه ملی میثاق شهروندی دنبال میشود تا بیشتر از پیش رشد انکشافی، اقتصادی و اجتماعی را در روستا‌ها و شهرهای کشور خویش شاهد باشیم و روزتا روز مردم ما بتوانند به مزایای زنده‌گی مرفه دست یابند.

البته برنامه ملی میثاق شهروندی از خود معیارها و اصول خاص خود را دارد تا به اتکای آن روند انکشاف و پیشرفت را بصورت دقیق و عملی آن طی نماید.

یکی از این معیارها همانا پرداختن به انکشاف شهری در کنار انکشاف دهات و روستاهای افغانستان است. با در نظر داشت میکاینیم سنجیده شده مدیریت و دستاوردهای چشمگیر برنامه همبستگی ملی، این باور به میان آمده است که میتوان شهرها را نیز با همین شیوه به رشد و انکشاف نایل آورد. لهدذا در برنامه ملی میثاق شهروندی، انکشاف شهری نیز یک اصل عمده بوده و به آن پرداخته میشود.

نقش برجسته و تشریک فعالیت زنان با مردان در شوراهای انکشافی، اصل دیگر است که با پرداختن به آن، بخش مهم و قابل توجه جامعه را در امر انکشاف کشور سهیم میسازد. مؤثریت نقش زنان در امر انکشاف قریه‌ها، نظر دهی مثبت آنان در امور مربوط به انکشاف و سایر مسایل انکشافی در روستا‌های کشور موجب شده است تا این نقش در برنامه ملی میثاق شهروندی بیشتر شده و سهم زنان شهری و روستایی کشور در رهبری شوراهای انکشافی به (۵۰٪) افزایش یابد.

به همین‌گونه خصلت بین‌الوزارتی برنامه ملی میثاق شهروندی، دامنه عمل را در این برنامه گسترش داده و چند وزارت سکتوری دیگر را نیز در کنار وزارت احیا و انکشاف دهات در امر تطبیق این برنامه بزرگ ملی سهم میدهد. قابل یادآوریست که اصل کنترل و نظارت هم از طرف شوراهای و هم از طرف مقامات ذیصلاح، موجب مسؤولیت پذیری و کار صادقانه میگردد و وزارت‌های ذیربط در مقابل کارشان در برابر مردم کشور، مسؤول و حسابده خواهند بود.



برنامه ملی میثاق شهروندی، در واقع بزرگترین روند انکشافی در سراسر افغانستان است که فاصله شهرها و دهات را کوتاه ساخته و شهروندان روستایی و شهری تمام کشور را مجال میدهد تا با ابتکار و عمل خویش بتوانند آنچه نیازمندی‌شان است، اولویت بخشند و در امر تطبیق آن در ساحت عمل، خود دست اندرکار و فعال باشند.

برنامه ملی میثاق شهروندی میزان فقر و تنگدستی را در خانواده‌ها کاهش میدهد و تلاش می‌ورزد تا در جریان تطبیق خویش در عمل، روستاییان و شهریان را به گونه متوازن و همسان از پروسه انکشاف اقتصادی و اجتماعی بهره مند سازد. یعنی به آنگونه سهولت‌ها و مزایایی را که یک شهروند شهری ما میتواند دسترسی داشته باشد، روستایی ما نیز بتواند از آن مستفید گردد. با همین آرمان است که فاصله‌ها کوتاه شده و رشد اجتماعی و اقتصادی به صورت یک رنگ و متوازن در خدمت تمام مردم کشور قرار میگیرد.

اصولاً هدف بنیادی برنامه ملی میثاق شهروندی، ایجاد زمینه‌ها و امکانات انکشاف مداوم در کشور بوده و تلاش صورت میگیرد تا با احداث و تطبیق پروژه‌های بزرگ‌تر روند انکشاف را در دراز مدت تأمین نماید. برنامه ملی میثاق شهروندی، برنامه اساسی آینده‌سازی خواهد بود که در پرتو دستاوردهای آن، کشور ما به یک پیمانۀ وسیع به تعالی و انکشاف دست خواهد یافت و با تقویت شدن بنیۀ اقتصادی مردم، وضع معیشتی هموطنان ما نیز به حالت مطلوب، ارتقا خواهد کرد.